



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی
گروه تولید محتوا

دو فصلنامه علمی - تخصصی

سال اول

شماره دوم

بهار و تابستان ۱۴۰۲

محرم ۱۴۴۵ ه. ق

تبلیغ خانواده

تبیین مسئولیت اصلی زن در خانواده با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری مد ظله
نفیسه قنبری

گرایش بانوان غربی به پوشش اسلامی
دکتر علی کاظمی

روش‌های تربیت فرزند ولایتمدار
علیرضا انصاری

نحوه همسرگزینی در سیره امام حسین علیه السلام و امام سجاد علیه السلام
دکتر مصطفی محسنی

پیامدهای ازدواج دیرهنگام
زهرا رضائیان

شیوه افزایش اعتماد به نفس نوجوانان در خانواده
زهرا افتخاری

تحکیم روابط همسران از منظر آیات و روایات
دکتر مرضیه قنبری

ویژگی‌های مطلوب محیط خانه
محمد رضا حیدری خراسانی بیدگلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی
گروه تولید محتوا

تبلیغ فحانواؤ

صاحب امتیاز: معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

مدیر مسئول: سعید روستا آزاد

سر دبیر: مصطفی آزادیان

کارشناس اجرایی: اکبر اسماعیل پور

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال اول - شماره دوم

بهار و تابستان ۱۴۰۲

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

سعید روستا آزاد

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

سید محمد اکبریان

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

علی نظری منفرد

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

میرتقی قادری

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

ناصر رفیعی محمدی

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

شمارگان: ویراستار:

۴۰۰ نسخه زهرا رضائیان

قیمت: صفحه آرا:

۴۰۰۰۰ تومان اکبر اسماعیل پور

چاپ:

مؤسسه بوستان کتاب

آدرس: قم، چهارراه شهدا، معاونت فرهنگی و تبلیغی، طبقه اول، گروه تولید محتوا، کدپستی: ۳۷۱۵۷۹۱۸۱۱ -

تلفن: ۳۱۱۵۱۲۴۷ - ۰۲۵ - پایگاه اینترنتی: <http://jpf.dte.ir> - پست الکترونیک: tabligh@dte.ir



امام خمینی (قدس سره):

نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای این که بانوان علاوه بر این که خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است، و از خدمت همه کس بالاتر است، و این امری است که انبیا می خواستند. می خواستند که بانوان قشری باشند که آنها تربیت کنند جامعه را، و شیرزنان و شیرمردانی به جامعه تقدیم کنند.

صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۹۷.

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی):

زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می توان زن بود، عقیف بود، محجبه و شریف بود، و در عین حال، در متن و مرکز بود؛ می توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز، سنگرسازی های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد.

در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدس، زنانی ظهور کردند که می توانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش، و در ساحت حفظ خانه سالم و خانواده متعادل، و در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد اجتماعی را جهانی کنند و بنیست های بزرگ را درهم بشکنند.

<https://www.leader.ir/fa/speech/10428/>

پیام به کنگره هفت هزار زن شهید کشور ۱۳۹۱/۱۲/۱۶

فهرست مطالب

سخن نخست ۵

تبيين مسئوليت اصلي زن در خانواده با تأكيد بر بيانات مقام معظم رهبري علیه السلام ۹

نفسه قنبري

گرايش بانوان غربي به پوشش اسلامي ۲۱

دکتر علي کاظمي

روش‌هاي تربيت فرزند ولايت‌مدار ۳۱

حجت الاسلام والمسلمين عليرضا انصاري

نحوه همسرگزيني در سيره امام حسين و امام سجاد عليهما السلام ۴۱

حجت الاسلام والمسلمين دکتر مصطفي محسني

پيامدهاي ازدواج ديرهنكام ۵۱

زهرا رضائيان

شيوه افزايش اعتماد به نفس نوجوانان در خانواده ۶۱

زهرا افتخاري

تحکيم روابط همسران از منظر آيات و روايات ۷۱

مرضيه قنبري

ويژگي‌هاي مطلوب محيط خانه ۷۹

محمد رضا حيدري خراساني بيدگلي

سخن نخست

عزاداری در ماه محرم برای سالار شهیدان حضرت حسین بن علی علیه السلام، از آداب دیرینه مسلمانان جهان، بویژه ملت فهیم و متدین ایران اسلامی است. این امر ریشه در سنت نبوی و اهل بیت گرامی ایشان علیهم السلام دارد. عامل اصلی قیام عاشورا، حفظ اسلام ناب محمدی از انحراف و تحریف بود: **إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ إِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليهما السلام**. اسلام ناب محمدی و علوی در برابر اسلام اموی و اسلام آمریکایی قرار دارد. به همین جهت، زنده نگه داشتن حادثه عاشورا و برپایی مجالس سوگواری، از شاخصه‌های اصیل در سیره اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌رود؛ چرا که شناخت عمیق امام حسین علیه السلام و فلسفه قیام عاشورا و تبعیت عملی و همه جانبه از آن امام همام، تضمینی است برای سلامت جامعه از انحراف و تحریف. از سوی دیگر، ارتباط با سیدالشهدا، به انسان معرفت و معنویت می‌بخشد. هر چه این ارتباط بیشتر و صمیمی‌تر باشد عمق معرفت و معنویت انسان نیز بیشتر و کامل‌تر خواهد بود. با اندکی درنگ در زندگی نامه شهدای گرانقدر اسلام می‌توان به این عمق از معرفت و معنویت پی برد. جوانانی که با غلبه بر جذابیت‌های دلفریب دنیا و با اطاعت از ولی امر زمان، توانستند راه‌های کمال و قرب الهی را به سرعت طی کنند و به قله سعادت برسند. یادی کنیم از شهیدان گرانقدر انقلاب اسلامی، شهید قاسم سلیمانی، شهید محسن حججی، شهید آرمان علی‌وردی و سایر شهدای گرانقدری که با الگوپذیری از شهدای کربلا، چون ستاره‌هایی درخشان در آسمان کشور عزیزمان می‌درخشند و راه سعادت و خوشبختی را به ما نشان می‌دهند.

با عنایات حضرت حق، گروه تولید محتوای معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، توفیق داشته است به مناسبت ماه محرم و اعزام مبلغان به سراسر کشور، سه

فصلنامه تولید و در اختیار مبلغان گرامی قرار دهد:

۱. فصلنامه ره توشه؛ این فصلنامه که برای استفاده عموم مبلغان تهیه شده شامل موضوعات ذیل است:

گریستن اهل بیت علیهم‌السلام بر امام حسین علیه‌السلام؛ عنایت امام حسین علیه‌السلام به زائران و عزاداران؛ عنایت امام حسین علیه‌السلام به علما؛ معنویت از دیدگاه آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای مد ظله‌العالی؛ نذر برای امام حسین علیه‌السلام و نقش آن در گسترش و رشد مجالس حسینی، مواسات و دغدغه‌مندی با تاکید بر سیره امام حسین علیه‌السلام؛ یاران غیر معروف امام حسین علیه‌السلام در کربلا؛ عوامل توفیق همراهی با ولی امر؛ جنگ شناختی بنی امیه علیه قیام امام حسین علیه‌السلام؛ پنج راهکار کلیدی در دفاع از ارزش‌های اسلامی؛ حجاب در سیره بانوان منتسب به اهل بیت علیهم‌السلام؛ اندیشه و زندگی در صحیفه سجادیه؛ زیارت اربعین، فرهنگ نامه قیام کربلا؛ مبلغان و راهبرد مشارکت در انتخابات. با توجه به اینکه در آخر سال انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری برگزار خواهد شد، بسیار شایسته است که مبلغان ارجمند از فرصت تبلیغ در محرم استفاده کرده، مردم را به شرکت باشکوه در انتخابات دعوت کنند.

لازم به ذکر است، در کنار فصلنامه فوق، ره توشه دیگری به نام "ره توشه پیوستی" شامل مجموعه‌ای از مقالات مهم و مناسبتی سال‌های گذشته، تهیه شده است که در پایگاه خبری بلاغ به آدرس <https://www.balagh.ir> در دسترس قرار دارد.

۲. فصلنامه تبلیغ و خانواده؛ این فصلنامه برای مبلغانی که در عرصه خانواده به تبلیغ می‌پردازند آماده شده است. مقالات این فصلنامه عبارتند از:

تبیین مسئولیت اصلی زن در خانواده (با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری)؛ گرایش بانوان غربی به پوشش اسلامی؛ روش‌های تربیت فرزندان ولایت مدار؛ نحوه همسرگزینی در سیره امام حسین و امام سجاد علیهما‌السلام؛ پیامدهای ازدواج دیرهنگام؛ شیوه افزایش اعتماد به نفس نوجوانان در خانواده؛ نقش زن در تحکیم روابط زوجین براساس آیات و روایات؛ ویژگی‌های مطلوب محیط خانه.

۳. فصلنامه تبلیغ و تقریب؛ این فصلنامه برای مبلغان محترمی که در مناطق مشترک شیعه و سنی به تبلیغ می‌پردازند آماده شده و شامل مقالات ذیل است:

شخصیت و منش امام حسین علیه‌السلام از منظر علمای شافعی و حنفی؛ سیره اهل بیت علیهم‌السلام در ایجاد وحدت میان مسلمین؛ نگاهی به زندگی صحابیان شهید در حماسه عاشورا؛ روش همسران پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در عزاداری برای امام حسین علیه‌السلام؛ راهبردهای دشمن برای ایجاد اختلاف

سخن نخست ■ ۷

میان مسلمانان؛ بررسی مبانی قرآنی و روایی حمایت از مظلومان؛ الگوی رفتاری امام حسین علیه السلام با دوستان و دشمنان؛ امام رضا علیه السلام در منابع اهل سنت؛ بایسته‌های تبلیغ در مناطق مشترک؛ و پرسش و پاسخ.

گفتنی است مجموعه پیش‌رو، پیراسته از کاستی و نقص نیست به همین جهت انتظار می‌رود مبلغان عزیز، ما را از پیشنهادهای سازنده و تجربیات ارزشمند خود بهره‌مند سازند. در پایان، ضمن قدردانی از نویسندگان فرهیخته، از همه کسانی که در امر آماده‌سازی و انتشار این فصلنامه‌ها تلاش کردند، به ویژه حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی آزادیان رئیس محترم گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی و همکاران گرامی ایشان صمیمانه تشکر و سپاسگزاری می‌کنم.

سعید روستاآزاد
معاون فرهنگی و تبلیغی
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

تبیین مسئولیت اصلی زن در خانواده با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام

نفیسه قنبری*

اشاره

یکی از اولویتهای اصلی زن در آموزه‌های اسلامی، توجه به وظیفه اصلی او در خانواده است که در اسلام بر مسئولیت خانه‌داری به عنوان نقش محوری زن در کانون خانواده و تربیت فرزندان تأکید شده است. بر این اساس بررسی اولویت نقش زن در خانه نسبت به اشتغال در بیرون از منزل، نکته قابل توجهی است که موجب تحکیم روابط زوجین و والدین و فرزندان می‌شود و خانواده را در مسیر رشد و تعالی یاری می‌دهد. این مهم وقتی میسر می‌شود که زن به وظیفه اصلی خود که ساختن خانواده و جامعه سالم است، واقف شود. در این راستا نوشتار حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که مسئولیت اصلی زن به عنوان عنصر مهم در خانواده و جامعه، بر اساس بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام چیست؟ یافته‌های پژوهش حاصل از این است که طبق بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، زن مسلمان باید مسئولیت خانه‌داری را در اولویت زندگی قرار دهد و به فرزندآوری که لازمه اولویت خانه‌داری است، توجه کند. از طرفی نیز این مسئولیت با اشتغال زن در بیرون از منزل منافاتی ندارد، مشروط بر آنکه اشتغال زن با حفظ موازین اسلامی همراه باشد و لطمه‌ای به وظیفه اصلی زن وارد نکند. مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرماید: «زن را به چشم آن عنصر اصلی تشکیل خانواده در نظر بگیرید که خانواده اگر چه از مرد و زن تشکیل می‌شود و هر دو در تشکیل خانواده و موجودیت آن مؤثرند، اما آسایش فضای خانواده، آرامش و سکوتی که در فضای خانه است؛ به برکت زن و طبیعت زنانه است. با این

چشم به زن نگاه کنند تا معلوم شود که او چگونه کمال پیدا می‌کند و حقوقش در چیست»^۱.

جایگاه زن در اسلام

اسلام نگرش والایی به شخصیت زن داده و جایگاه حقیقی زن را معرفی نموده است؛ در حالی که زن در دوران قبل از اسلام، از جایگاه حقیقی و حقوق انسانی بی‌بهره بوده و مورد ظلم و تعدی واقع شده است. اسلام نگرش جنسیتی و تبعیض‌آمیز به زن را مردود شمرده و حتی در پاداش اخروی زن و مرد، ارزش انسان را به ایمان و تقوای معرفی کرده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»^۲. بر این اساس دیدگاه اسلام به زن، نگاه به انسانی توانمند و با ظرفیت برای دستیابی به کمال است که نقش اساسی در تربیت فرزندان و خانواده سالم و به تبع آن، جامعه سالم دارد. دیدگاه رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام به جایگاه زن، در اوج انطباق با آموزه‌های اسلامی و توأم با آزاداندیشی و ارزش‌مداری است؛ به گونه‌ای که در ویژگی‌های مشترک فردی میان زن و مرد در زمینه خودسازی، هیچ تمایزی میان زن و مرد قائل نیستند و گاهی زنان را اسوه معرفی می‌کنند، اما در ویژگی‌های مختص زنان با نگرش منصفانه به رشد و شکوفایی زن توصیه و اولویت‌ها را معرفی می‌نمایند. مقام معظم رهبری علیه‌السلام به این اولویت این‌گونه اشاره می‌نماید:

علت اینکه اسلام اینقدر به نقش زن در داخل خانواده اهمیت می‌دهد، همین است که زن اگر به خانواده پایبند شد، علاقه نشان داد، به تربیت فرزند اهمیت داد، به بچه‌های خود رسید، آن‌ها را شیر داد، آن‌ها را در آغوش خود بزرگ کرد ... نسل‌ها در آن جامعه، بالنده و رشید خواهند شد. این هنر زن است و منافاتی هم با درس خواندن و درس گفتن و کار کردن و ورود در سیاست و امثال این‌ها ندارد.^۳

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، «حق کرامت الهی زن از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، ۱۴۰۱/۰۶/۰۹، کد مطلب: ۵۰۸۳۵.

<https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=50835>

۲. حجرات: ۱۳؛ ر.ک: سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۳۲۶.

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، «شغل حساس و آینده‌ساز»، ۱۳۹۸/۰۸/۰۴، کد مطلب: ۴۳۸۳۵.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43835>

خانه‌داری، مسئولیت اصلی زن

خانواده، اساسی‌ترین و بهترین کانون رشد و ارتقای زوجین و فرزندان است که برای زن پس از ازدواج و تشکیل خانواده، مسئولیتی به نام خانه‌داری شکل می‌گیرد. از آنجا که وظایف خانه‌داری، همسر‌داری و تربیت فرزندان نیازمند عاطفه قوی و از مسئولیت‌های مهم و حساس است، این وظایف مطابق با فطرت و آفرینش زن وضع شده است و با استعداد و توانایی زن متناسب است. از طرفی نیز اموری که فطرتاً بر عهده زن‌ها نهاده شده است، از عهده مردان خارج است؛ زیرا مرد برای بچه‌داری و خانه‌داری خلق نشده است؛ بلکه وجودی تعقلی دارد که برای کارهای سنگین اجتماعی مناسب است.^۱ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام با اشاره به اهمیت و ارزش والای نقش خانه‌داری برای زن، این مسئولیت را از بایسته‌های فکری یک زن دانسته و فرموده‌اند: «یکی از مهم‌ترین وظایف زن، خانه‌داری است. همه می‌دانند بنده عقیده ندارم به اینکه زن‌ها نباید در مشاغل اجتماعی و سیاسی کار کنند. نه، اشکالی ندارد؛ اما اگر چنانچه این به معنای این باشد که ما به خانه‌داری به چشم حقارت نگاه کنیم، این می‌شود گناه. خانه‌داری یک شغل است؛ شغل بزرگ، شغل مهم، شغل حساس، شغل آینده‌ساز».^۲

طبق این بیانات زن باید بداند هنگامی که در منزل امور خانه و خانواده را سامان‌دهی می‌کند، جایگاه اجتماعی با ارزشی دارد. اگر این نگرش تفکر عمومی جامعه شود، زنان در هر مرتبه علمی که باشند؛ با طیب خاطر به خانه‌داری به عنوان یک شغل نگاه می‌کنند و آن را در اولویت قرار می‌دهند. در این صورت خانواده به عنوان هسته مرکزی اجتماع، کمتر دچار آسیب می‌شود و فرزندان به عنوان آینده‌سازان کشور نیز در امنیت عاطفی رشد می‌کنند. از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام کاری که یک زن در این جایگاه انجام می‌دهد، هیچ کس دیگری نمی‌تواند جایگزین کند:

شما اگر بچه خودتان را در خانه تربیت نکردید یا اگر بچه نیاوردید یا اگر تارهای فوق‌العاده ظریف عواطف او را با سرانگشتان خودتان باز نکردید تا دچار عقده [عاطفی] نشود، هیچ کس دیگر نمی‌تواند این کار را بکند؛ نه پدرش و نه به طریق اولی

۱. حسین مظاهری، خانواده در اسلام، ص ۲۵.

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای علیه السلام، «شغل حساس و آینده‌ساز»، ۱۳۹۸/۰۸/۰۴، کد مطلب: ۴۳۸۳۵.

دیگران. فقط کار مادر است. این کارها، کار مادر است؛ اما آن شغلی که شما بیرون دارید، اگر شما نکردید؛ ده نفر دیگر آنجا ایستاده‌اند و آن کار را انجام خواهند داد. بنابراین اولویت با این کاری است که بدیل ندارد؛ تعیین با این است.^۱

تأکید بر بی‌بدیل بودن نقش خانه‌داری، زمانی است که این وظیفه در کنار همسر داری و فرزندداری به کمال خود می‌رسد. از منظر مقام معظم رهبری علیه‌السلام در تعارض خانه‌داری با اشتغال و تحصیل زن، شغل خانه‌داری و نقش مادری و همسری مسئولیت درجه یک است که کس دیگری نمی‌تواند آن را انجام دهد.^۲ این اولویت در نقش خانه‌داری در سیره معصومین علیهم‌السلام به حدی جلوه‌گر می‌شود که وقتی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در تقسیم کارها وظیفه خانه‌داری را بر عهده حضرت فاطمه علیها‌السلام گذاشتند، ایشان نه تنها دوش آن خویش ندانستند؛ بلکه بسیار مسرور شدند.^۳ این در حالی است که در برخی جوامع با نگاهی تحقیرآمیز، نقش سرنوشت‌ساز زن در تربیت فرزندان را نادیده می‌گیرند و حضور زن در پیشبرد اقتصاد و سیاست را در اولویت قرار می‌دهند. از نظر مقام معظم رهبری علیه‌السلام زن بودن، برای زن یک امتیاز و افتخار است؛ ایشان بر همین اساس قائل است که افتخار زن در این نیست که زن را از محیط زنانه، اخلاق خصوصیات زنانه دور کنیم و خانه‌داری، فرزندداری و شوهرداری را برای زن ننگ به حساب آوریم؛ هم‌چنانکه از مشکلات بزرگ دنیای غرب، متلاشی شدن خانواده‌ها و افزایش فرزندان بی‌هویت است.^۴ درحالی‌که اسلام با نگرش ارزشی خود، زنان را به ماندن در حصن حصین خانه و پرداختن به امور خانه‌داری و تربیت فرزند دعوت نمود؛ تا جایی که حضرت فاطمه علیها‌السلام نزدیک‌ترین حالت زن به خداوند متعال را زمانی می‌داند که در منزل خود باشد: «أَنَّ أَدْنَى مَا

۱. بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453>

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، «شغل حساس و آینده‌ساز»، ۱۳۹۸/۰۸/۰۴، کد مطلب: ۴۳۸۳۵.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43835>

۳. عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الإسناد، ص ۵۲.

۴. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، «افتخار به زن بودن، مباحثات به مادر بودن»، ۱۴۰۱/۱۰/۲۳، کد خبر: ۵۱۷۴۸.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51748>

تبیین مسئولیت اصلی زن در خانواده با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام ■ ۱۳

تَكُونُ مِنْ رَبِّهَا أَنْ تَلْزَمَ قَعْرَ بَيْتِهَا؛^۱ نزدیک‌ترین اوقات زن به خدا، هنگامی است که درخانه‌اش بنشیند و از اختلاط با نامحرمان به دور باشد. البته زمانی که زن در منزل می‌ماند و به خانه‌داری می‌پردازد، در پناه امن خانه از محیط مختلط با نامحرمان دور می‌ماند. از این‌رو از خطرات آسیب‌های احتمالی اجتماعی ایمن خواهد ماند.

دقت نظر رهبر معظم انقلاب علیه السلام درباره خانه‌داری زن، متناسب با طبع زنانه زن است. بر این اساس ایشان با استناد به حدیث «الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»،^۲ به مسئله احترام شغل زن در خانه و عدم اجبار زن اشاره نموده است.^۳ بنابراین زن مجبور به انجام امور منزل نیست و باید احترام و شأن زن در منزل حفظ شود و با علاقه و میل خود اهمیت به نقش خانه‌داری مبادرت بورزد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده است: «هر زنی از منزل شوهرش چیزی را از جایی به جای دیگری جابه‌جا کند (کنایه از انجام کوچک‌ترین کاری در منزل)، خداوند به او نظر کند و آنکه خدا به وی توجه کند، عذابش نخواهد کرد».^۴

رعایت حجاب و عفاف در عرصه اجتماع

رهبر معظم انقلاب علیه السلام با بیان اهمیت حیای زن، به تلاش جوامع غربی برای از بین بردن حیا اشاره نمود. مسئله اختلاط زن و مرد، پوشش زن و مرد و حقوق زن، از روش‌های توطئه غرب در از میان بردن حیاست. از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام، حیا برای زن و مرد فضیلت است و از مظاهر حیا، پوشش ظاهری، نوع معاشرت‌ها و مکالمات است که در رأس صفات و مکارم اخلاقی است.^۵ در اسلام تأکید بسیاری بر عفاف و حجاب شده است؛ چنانکه قرآن به این مهم توجه ویژه‌ای نموده است:

و قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُنْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا

۱. حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۱۸۲.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۱۰.

۳. بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، ۱۳۹۳/۰۱/۳۰.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26155>

۴. محمد بن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۵۱.

۵. بیانات در ابتدای درس خارج فقه درباره مسئله حیا، ۱۳۹۷/۱۲/۱۳.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=41899>

ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ؛^۱ و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است، آشکار نمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند.

در سوره قصص نیز از دختران شعیب عَلَيْهِمُ السَّلَام نام برده است که به دلیل کهولت سن پدر، جایگزین شعیب عَلَيْهِمُ السَّلَام در چوپانی از گوسفندان بودند. آنچه در این باره قابل توجه است، حفظ حجاب و عفاف دختران شعیب در برخورد با مردان چوپان است: «قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصَدِرَ الرِّعَاءُ؛^۲ گفتند ما آن‌ها را آب نمی‌دهیم تا چوپان‌ها همگی خارج شوند». در جریان تقاضای شعیب عَلَيْهِمُ السَّلَام بر ازدواج حضرت موسی عَلَيْهِمُ السَّلَام با یکی از دخترانش نیز به حیای دختر در گام برداشتن و رفتار اشاره شده است: «فَجَاءَتْهُ إِخْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَىٰ اسْتِحْيَاءٍ؛^۳ ناگهان یکی از آن دو (زن) به سراغ او آمد، در حالی که با نهایت حیا گام برمی‌داشت» که بیانگر عفت و نجابت از طرز راه رفتنش بود.^۴

از دیدگاه مقام معظم رهبری عَلَيْهِمُ السَّلَام حجاب نه تنها موجب اسارت زن نیست؛ بلکه باعث تشخیص و آزادی زن است که باید از اسلام به خاطر حجاب تشکر نمود که جزء نعمت‌های الهی است.^۵ همچنین حجاب از موجبات امنیت زن و مرد مسلمان است که از احکام برجسته اسلام است.^۶ ایشان در این باره فرموده است:

ما زن را به عفت، به عصمت، به حجاب، به عدم اختلاط و آمیزش بی‌حدومرز میان زن و مرد، به حفظ کرامت انسانی، به آرایش نکردن در مقابل مرد بیگانه دعوت می‌کنیم. این بد است؟ این کرامت زن مسلمان است. این کرامت زن است. آن‌هایی

۱. نور: ۳۱.

۲. قصص: ۲۳.

۳. قصص: ۲۵.

۴. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۲۶.

۵. بیانات در دیدار جمعی از مداحان سراسر کشور، ۱۳۹۱/۰۲/۲۳.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19808>

۶. بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۵۷/۱۲/۲۰.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7284>

تبیین مسئولیت اصلی زن در خانواده با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام ■ ۱۵

که زن را تشویق می‌کنند که خود را به‌گونه‌ای آرایش دهد که مردان کوچک و بازار به او نگاه کنند و غرایز شهوانی خودشان را ارضا کنند، باید از خودشان دفاع کنند که چرا زن را تا این حد پایین می‌آورند و تذلیل می‌کنند.^۱

از نظر ایشان حجاب به معنای جلوگیری از اختلاط بی‌قید و شرط زن و مرد در اجتماع است که به ضرر زن و مرد و جامعه است.^۲ همچنین ایشان معتقد است که زن مسلمان، زنی است که دین، حجاب، زنانگی، ظرافت، رقت و لطافت‌های زنانه خود را حفظ کند، از حق خویش دفاع نماید و در میدان علم، معنویت، تحقیق و تقرب به خدوند پیشروی کند و در میدان سیاسی حضور دارد.^۳

توجه به فرزندآوری زن

مقام معظم رهبری علیه السلام ضمن بیان روایت: «تَنَاقَحُوا تَنَاسَلُوا تَكْتُمُوا»^۴ به خواست خداوند برای افزایش جمعیت اشاره نموده و نتیجه آن را زمینه و امکان رشد و تعالی در تک تک افراد جامعه ذکر می‌کند؛ با این تبیین که وقتی تعداد افراد جامعه زیاد است، افراد صالح در آن قهراً زیادتر هستند، توانایی‌ها قهراً بیشتر است، نیروی انسانی قهراً راقی‌تر خواهد شد.^۵

امام سجاد علیه السلام وجود فرزند را از سعادت‌های انسان دانسته است.^۶ امام صادق علیه السلام نیز یکی از معیارهای مهم در انتخاب همسر را فرزندآوری زن معرفی کرده است.^۷ با وجود تأکید روایات بر فرزندآوری، در سال‌های اخیر شاهد کاهش باروری و رشد جمعیت هستیم که برای آن دلایل متعددی ذکر نموده‌اند؛ دلایلی همچون ترس از فقر و مسائل اقتصادی که موجب شده خانواده‌ها

۱. بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۱/۰۹/۲۵.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2645>

۲. بیانات در دیدار جمعی از بانوان پزشک به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا(س)، ۱۳۶۷/۱۰/۱۶.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2250>

۳. بیانات در دیدار جمعی از بانوان، ۱۳۷۹/۰۶/۳۰.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3024>

۴. محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، ج ۱، ص ۱۰۱.

۵. بیانات در دیدار جمعی از زوج‌های جوان، ۰۱۳۹۸/۰۱/۰۶.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43153>

۶. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۹۶.

۷. همان، ج ۱۴، ص ۳۳.

نسبت به فرزندآوری تردید داشته باشند، در حالی که از فواید فرزندآوری، افزایش آرامش روانی افراد و در استحکام خانواده تأثیرگذار است. از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام یکی از مؤثرترین ثروت‌های یک کشور، جمعیت جوان در کشور است که از اوایل انقلاب تاکنون از این ثروت برخوردار بوده‌ایم و اگر در آینده برخوردار نباشیم، عقب خواهیم ماند.^۱ ترس از فقر در فرزندآوری، مسئله‌ای است که در آیات قرآن نیز به آن اشاره شده است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ».^۲ کلمه «املاق» به معنی نداشتن مال و هزینه زندگی و دال بر کشتن فرزندان از ترس هزینه زندگی است که در میان عرب جاهلیت، به علت قحطی و گرانی جاری بوده است. در آیه مورد بحث که ایشان را از این عمل ناستوده نهی کرده‌اند، نهی را با جمله «نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ» تعلیل کرده و فرموده است: «منطق شما در فرزندکشی غیر از این نیست که نمی‌توانید هزینه و روزی زندگی آن‌ها را فراهم نمایید و این، خود منطق اشتباهی است؛ زیرا شما نیستید که روزی فرزندان خود را فراهم می‌کنید؛ بلکه خداوند متعال است که روزی ایشان و خود شما را می‌دهد».^۳ نگرش قرآن قابل انطباق با بحث سقط جنین در زنان، در زمان حال و فرهنگ‌سازی در این زمینه حائز اهمیت است.

اشتغال زنان بعد از اولویت خانه‌داری

اسلام اشتغال زن در جامعه را به شرط حفظ حیاء و عفاف و در صورتی که مانع وظیفه اصلی زن نشود، تأیید نموده است. از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام اشتغال زنان دارای جایگاه مهمی است، اما نقش مادری اولویت دارد و اشتغال نباید زن را از مسئولیت اصلی همسر و مادری زن باز دارد و باعث سلب آرامش شود.^۴ ایشان با تأکید بر اهمیت آرامش در خانواده، زن را در خانه عامل آرامش همسر و فرزندان دانسته‌اند که اگر زن برخوردار از آرامش روانی و روحی نباشد، نمی‌تواند این آرامش را به خانواده بدهد.^۵ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام با تأیید حضور زن در

۱. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۴/۲۲.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46045>

۲. انعام: ۱۵۱: «و فرزندانتان را از (ترس) فقر نکشید. ما شما و آن‌ها را روزی می‌دهیم».

۳. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۷۵ و ۳۷۶.

۴. بیانات در دیدار مدال‌آوران المپیادهای علمی و اعضای تیم ملی والیبال جوانان، ۱۳۹۸/۰۵/۱۶.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43188>

۵. بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، ۱۳۹۳/۰۱/۳۰.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26155>

امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، همواره بر اولویت داشتن نقش زن در خانواده تأکید دارد و اشتغال زن را در صورتی قابل پذیرش می‌داند که به امور زندگی لطمه‌ای وارد نکند. همچنین در بحث اشتغال، به حفظ روابط نامحرم تأکید نموده و این مسئله در اسلام را جدی دانسته است که باید مورد توجه قرار گیرد.^۱ توصیه اسلام به این است که زن صدای خود را نازک نکند و با مردان به نرمی حرف نزند و با بیگانگان روبه‌رو سخن نگوید که موجب طمع آن‌ها شود؛^۲ چنانکه قرآن می‌فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا»^۳ پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند.^۴ این آیه دال بر نهی از خضوع زن در گفتگو با مردان بیگانه و رعایت سکینت و وقار زن در سخنان سخن گفتن و نیز پرهیز از بذله‌گویی با افرادی است که خاطرات آنان با وسوسه شیطنی سنخیت دارد.^۵ بنابراین زنان باید به هنگام سخن گفتن، جدی و خشک و به طور معمولی سخن بگویند؛ نه همچون زنان کم‌شخصیت که سعی دارند با تعبیرات تحریک‌کننده که گاه توأم با ادا و اطوار مخصوصی است که افراد شهوتران را به فکر گناه می‌افکند، سخن بگویند.^۶ باید توجه داشت که تناسب شغل زن باید با توانمندی‌های او باشد. رهبر معظم انقلاب علیه السلام نگرش صحیح و منطقی به اشتغال زن را در نظر گرفتن عدالت دانسته است، نه برابری جنسی زن و مرد.^۷ بر همین اساس تأکید ایشان بر انتخاب مشاغلی متناسب با این خصوصیات زن است. ایشان در این باره فرموده است:

این چه افتخاری است برای زن که کاری را انجام بدهد که مردانه است؟ من متأسفم که گاهی خود خانم‌ها، خود بانوان، روی این مسئله حساسیت نشان می‌دهند که ما با مردها چه فرقی داریم؟... نگاه اسلام نسبت به زن و مرد، نگاه انسان است؛ در مسئله انسانیت، سیر مقامات معنوی، استعدادهای فراوان فکری و علمی هیچ تفاوتی نیست،

۱. بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453>

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۵۵۷.

۳. احزاب: ۳۲.

۴. سید محمدحسین حسینی همدانی، انوار درخشان، ج ۱۳، ص ۱۰۲.

۵. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۸۹.

۶. بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، ۱۳۹۳/۰۱/۳۰.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26155>

اما قالب‌ها دو قالب است: یک قالب برای یک کار و یک صنف کار است، یک قالب برای یک کار دیگر است. البته کارهای مشترکی هم وجود دارد. [آیا] این خدمت است که ما بیاییم یکی از این دو قالب را از منطقه اختصاصی خودش بکشیم بیرون، ببریم در منطقه اختصاصی آن قالب دیگر؟ این کاری است که غربی‌ها دارند می‌کنند.^۱

نکته قابل توجه در اولویت مردان در تصدی مسئولیت‌ها و پذیرش شغل‌ها این است که این موارد، تسهیلی است که دین اسلام برای زنان قرار داده است تا زنان درگیر مسائلی نشوند که موجب تشویش اعصاب شود و مشکلاتی را برای روحیه آنان ایجاد نماید.^۲ در این راستا مقام معظم رهبری علیه‌السلام تقلید کار مردانه را برای زن هنر نمی‌داند؛ بلکه افتخار زن را در این می‌داند که یک زن کامل باشد که ارزش آن در مواردی از مرد بالاتر و بیشتر است.^۳ بنابراین زن به عنوان یک انسان می‌تواند مشارکت فعال با مردان در جامعه داشته باشد، اما در مرحله اول در خانه و در مرحله دوم با حفظ عفاف در خارج از خانه به کار متناسب با روحیات و توانمندی‌ها زنانه روی آورد.

فهرست منابع

۱. حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۷ق.
۲. حسینی همدانی، سید محمدحسین، انوار درخشان، چاپ اول، تهران: کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ق.
۳. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۱۳ق.
۴. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، چاپ اول، نجف: مطبعة الحیدریة، بی‌تا.
۵. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۳۹۰ق.
۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.

۱. همان.

۲. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، زن از زبان قرآن، ص ۳۵.

۳. بیانات در دیدار بانوان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا علیها‌السلام، ۱۳۸۶/۰۴/۱۳.

تبیین مسئولیت اصلی زن در خانواده با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام ■ ۱۹

۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب
الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.

۸. محمد بن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.

۹. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، زن از زبان قرآن، چاپ اول، قم: جمال، ۱۳۸۷ش.

۱۰. مظاهری، حسین، خانواده در اسلام، چاپ اول، قم: شفق، ۱۳۹۰ش.

۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.

گرایش بانوان غربی به پوشش اسلامی

دکتر علی کاظمی*

اشاره

فرهنگ ماده‌گرا و سودمحور غربی با نگاه ابزاری به زنان، هویت انسانی آنان را استحاله کرده است. از سوی دیگر غرب همواره کوشیده است چهره‌ای خشن و نازیبا از اسلام ارائه دهد، اما به رغم پوشش رسانه‌ای خصمانه دولت‌های غربی و به تصویر کشیدن چهره‌ای خشن و غیرانسانی از دین اسلام و معرفی زنان مسلمان به عنوان زنانی عقب‌افتاده و متحجر که با دست‌ان خود به سرکوب‌گریز و عواطف خود می‌پردازند؛ گرایش زنان و به‌ویژه - به ظاهر - ستاره‌های غربی اعم از خواننده و بازیگر تا مدل‌ها به اسلام و حجاب اسلامی، گویای درخشش اسلام در میان ادیان موجود است.

فرهنگ‌سازی پوشش عقیفانه

حفظ پوشش اسلامی به عنوان هنجار برتر و ارزش اجتماعی، از ضروریات حضور زنان در جامعه است که در قرآن نیز به آن تصریح شده است: «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...»^۱ (ای پیامبر) به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار نمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان».

* دکتری مدیریت استراتژیک گرایش خط مشی گذاری.

۱. نور: ۳۱؛ ر.ک: سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۱۲؛ ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۳۹.

هر چند پوشش غالب بانوان غربی به دلیل عقاید مادی‌گرایی عاری از حجاب مناسب است، اما وجود بانوان محجبه به عنوان نماد اسلام نه فقط عاملی برای فرهنگ‌سازی پوشش عقیفانه بلکه زمینه‌ساز افزایش مسلمانان است. از این رو آمارها در غرب نشانگر افزایش گرایش به اسلام نسبت به دیگر ادیان، بیش از ۱۵۰ درصد است.^۱ مجله تایم از موج عظیم گرایش زنان به پاکدامنی سخن به میان می‌آورد.^۲ همین افزایش غیرمنتظره شمار بانوان محجبه و ترس غربی‌ها از فراگیری اسلام، حجاب‌ستیزی را در صدر عملکردهای دولت‌های غربی از جمله سوئد، فرانسه، بلژیک و ... قرار داده است.^۳

با وجود تبلیغات فراوان رسانه‌ای و اعمال قوانین سختگیرانه علیه بانوان محجبه در جامعه، غربی‌ها هنوز نتوانسته‌اند مانع عرفی‌سازی حضور عقیفانه زنان در اجتماع شوند. «بر اساس یک تحقیق تمایل به استفاده از پوشش اسلامی به‌ویژه در میان دختران نوجوان مسلمان در جامعه سوئد افزایش یافته است. امروزه زنان محجبه شاغل در امور گوناگون جامعه، با حفظ حجاب نشان می‌دهند که با افتخار و پاک‌دامنی می‌توانند در جامعه حضور داشته باشند».^۴ بنابراین جوامع غربی به دیدن زنان محجبه، تعامل با آن‌ها در جامعه، دانشگاه و محیط کار عادت کرده‌اند. این مسئله، یعنی زنان مسلمان با کوشش خود پوشش عقیفانه را به عنوان یک ارزش اجتماعی - فرهنگی در غرب تثبیت کرده‌اند. «بدین گونه است که اکثریت زنان طبقه متوسط جوامع غربی در مواجهه‌های فرهنگی با مسلمانان، حجاب را به عنوان یک شاخص فرهنگی درک می‌کنند».^۵

این مفهوم‌سازی از پوشش، به قول شهید مطهری موجب افزایش احترام زن در جامعه شده

۱. وب‌سایت روزنامه جام جم، «چرا تازه مسلمانان به حجاب علاقه دارند؟»، ۱۴۰۱/۰۷/۱۱، شماره روزنامه ۶۳۲۱.

<https://www.jamejamdaily.ir/Newspaper/item/155060>

۲. سید مجید امامی و نوید عمیدی مظاهری، «صورت‌بندی مسئله حجاب زن مسلمان در اروپا، از هویت اروپایی تا حقوق فرهنگی»، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات جنسیت و خانواده، ص ۱۲.

3. Byng, M. D. (2010). Symbolically Muslim: media, hijab, and the West. *Critical sociology*, 36(1), 109-129.

۴ ، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، «رشد گرایش به حجاب اسلامی در سوئد»، مجله اسلام و غرب، شماره ۲۷.
<https://hawzah.net/fa/Magazine/View/52045/5493/5483>

5. Tarlo, E. (2007). Hijab in London: Metamorphosis, resonance and effects. *Journal of Material Culture*, 12(2), 131-156.

است؛^۱ به گونه‌ای که ربکا ماسترتن^۲ درباره ارتقای حرمت زنان محجبه در غرب می‌گوید: «مردان غیر مسلمان اغلب احساس می‌کنند که می‌توانند جوانمردی سنتی از خود نشان دهند، مانند باز کردن در برای یک زن مسلمان و به خاطر آن مورد حمله قرار نخواهند گرفت؛ زیرا آن‌ها می‌دانند که یک زن مسلمان به احتمال زیاد زنی نیست که از این شکل سنتی ابراز ادب، عصبانی شود».^۳

شکل‌گیری جهان‌بینی عقیفانه

حجاب در اسلام، عمل پسندیده و بی‌حجابی، ناپسند به شمار می‌آید. همچنین حجاب و محدودیت‌های جنسی عامل بهداشت، استحکام خانواده و استواری اجتماعی می‌شود. شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «... از نظر اسلام محدودیت کامیابی‌های جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع، از جنبه روانی به بهداشت روانی اجتماع کمک می‌کند و از جنبه خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می‌گردد...».^۴ این برعکس نظر غرب است: «[به راستی] چرا در دنیای غرب این همه بیماری روانی زیاد شده است؟ علتش آزادی اخلاقی جنسی و تحریکات فراوان سکسی است که به وسیله جراید و مجلات ... انجام می‌شود».^۵ بر همین اساس در آیات و روایات، بر حفظ حجاب و عفت تأکید شده است: «ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو جلاب‌ها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای اینکه (از کنیزان و آلودگان) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است».^۶ امام علی علیه السلام در وصیت خود به امام حسن مجتبی علیه السلام فرموده است: «با پوشش و حجابی که برای همسرانت قرار می‌دهی، چشم آنان را از هوس و حرام باز می‌داری؛ چرا که حجاب برای آن‌ها ثبات بیشتری به ارمغان

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۹، ص ۴۴۱.

2. Rebecca Masterton

۳. خبرگزاری بین‌المللی قرآن، «حجاب به بخشی از بافت اجتماعی فرهنگ غرب تبدیل شده است»، ۱۴۰۱/۱۱/۱۷، کد خبر: ۴۱۱۳۹۵۶.

<https://iqna.ir/fa/news/4113956>

۴. مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۹، ص ۴۴۱.

۵. سید ابراهیم سجادی، «قرآن و فلسفه حجاب»، پژوهش‌های قرآنی، ص ۷۴.

۶. احزاب: ۵۹؛ ر.ک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۵۸۰.

می آورد...»^۱.

زنان جامعه غربی سال‌هاست که به دلیل بی‌حجابی مورد سوءاستفاده و آسیب‌های روحی و جسمی فراوانی قرار گرفته‌اند. غربیان ماهیت زن را عامل ایجاد جذابیت در تبلیغات، محرک سرمایه‌گذاری، برانگیزاننده خرید و افزایش سود... تعریف کرده‌اند؛ در صورتی که در اسلام زن به عنوان یک انسان، مهم‌ترین نقش‌های فرزندی، همسری و مادری را ایفا می‌کند و می‌تواند در جامعه نیز با پوشش یک شهروند مفید باشد. زنان این شأن را از حجاب و عفت خود وام گرفته‌اند؛ به‌گونه‌ای که قرآن زنان ایده‌آل را مانند حضرت مریم^۲ و آسیه^۳ را به عنوان زنان الگو معرفی می‌کند.

زنان غربی نیازمند فهم هدف خداوند از آفرینش زن و درک گوهر وجودی خود هستند؛ معنایی که سیاستمداران غربی برای مقابله با اسلام آن را به بدترین وجه ممکن سیاه‌نمایی کرده‌اند. حال آنکه بروز حجاب در بانوان غربی، راه شناخت تأثیر حجاب بر ارزشمندی زن مسلمان را هموار می‌کند؛ بدین‌گونه که وقتی زنی در غرب حجاب را انتخاب می‌کند و آن را به عنوان نوعی نشانگان اجتماعی در انظار دیگران قرار می‌دهد، به وسیله آن پیامی از تمام مبانی فکری او به دیگران منعکس می‌شود. مشاهده یک زن محجبه این پرسش را ایجاد می‌کند که این نماد برآمده از چه بنیان فکری است؟ در واقع این حجاب زنان است که امکان ایجاد تفکر درباره ضرورت این پوشش را ایجاد می‌کند و عامل اعتراضات و نهضت‌های فمینیست در غرب شده است؛ به‌گونه‌ای که آنان معتقدند مگر زن نمایشگاه متحرک است که مدام در حال عرضه خود باشد؟ برای همین طرفداران این نهضت از سطحی‌ترین مسائل امتناع می‌کنند؛ مانند آرایش کردن چهره و پوشیدن لباس‌هایی که جذابیت دارد. این موضوع به اندازه‌ای مورد توجه قرار گرفته است که پارلمان اروپا، برای حمایت زنان و این طرز تفکر در حال تصویب قانونی است که استفاده از جذابیت‌های زنان در تبلیغات فروش کالا و محصولات منع شود.^۴

زنان تا پیش از آغاز جنبش بیداری - بر اساس تبلیغات فریبنده غرب - در جریان جهانی غرق شده بودند، به مرور زمان فهمیدند در دنیای امروز به کالایی برای تجارت تبدیل شده‌اند.

۱. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۸۶.

۲. تحریم: ۱۲؛ ر.ک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۴۷۹.

۳. تحریم: ۱۱؛ ر.ک: سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۳۴۴.

۴. مرجان خسروی، «بررسی آزادی حجاب و وضعیت پوشش زنان در غرب»، مجله پیام زن، ص ۲۸.

بنابراین بسیاری از زنان مسلمان و حتی غیرمسلمان به این باور رسیدند که برای رهایی از این سقوط باید به خویشتن خویش بازگردند.^۱ برای نمونه مدونا لوئیز چیکونی، خواننده آمریکایی در اواخر سال ۲۰۱۶ در ۵۸ سالگی هنگام دریافت جایزه زن سال از مجله بیلبورد، درباره شرایط دشوار و توهین آمیز فعالیت هنری زنان در آمریکا با لحنی کنایه آمیز گفت:

زنان خواننده در آمریکا باید به یک شیء زیبا و سرگرم کننده تبدیل شوند که هیچ کس از آن‌ها اندیشیدن نمی خواهد. برای مردان قاعده‌ای نیست، اما زنان باید تابع قواعد بازی باشند. باید زیبا و بامزه و اغواگر باشید، اما ادای باهوش‌ها را در نیورید. از خودتان نظر نداشته باشید یا دست کم نظری نداشته باشید که خلاف وضعیت موجود باشد؛ یعنی به شما اجازه می دهند که مثل زنان بدکاره لباس بپوشید و مردان مثل یک شیء با شما برخورد می کنند.^۲

یافته‌های گروه تحقیقاتی «آی جی (IG)» نیز نشان می دهد نسل جدید دختران در نیویورک برخلاف نسل‌های قبلی، علاقه چندانی به خودنمایی و پوشیدن لباس‌های بدن‌نما ندارند. «وندی شلیت» نویسنده آمریکایی می گوید: «خواسته‌های دختران امروز با گذشتگان متفاوت است؛ نسلی که از این آزادی افسارگسیخته به ستوه آمده است و می خواهد طعم شیرین فطرت را دوباره بچشد». او در ادامه می گوید: «دختران امروز با اعتراض‌های پراکنده می خواهند سبک زندگی و نوع پوشش خود را تغییر دهند. همین آسیب‌هاست که موجب می شود میزان گرایش به پاک‌دامنی میان نوجوانان غربی رو به افزایش باشد.»^۳

پوشش هویت بخش

غرب با ترویج لذت‌جویی‌های مداوم، برخورداری از هویت پوچ و بی ارزش را به زنان و دختران القا کرده است. مقام معظم رهبری علیه السلام فرموده است: «اساس فرهنگ غرب این است که زن را به عنوان یک کالا، به عنوان یک وسیله تمتع برای مرد در جامعه عرضه بکند».^۴ در صورتی که اسلام هویت بانوان را بر مبنای ایمان، تقوا و ارزش‌های انسانی تعریف می کند. حجاب نه تنها

۱. سید مجید امامی و نوید عمیدی مظاهری، «صورت‌بندی مسئله حجاب زن مسلمان در اروپا، از هویت اروپایی تا حقوق فرهنگی»، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات جنسیت و خانواده، ص ۲۲.

۲. فاطمه دولتی، «من یک پادری هستم»، مجله پیام زن، ص ۱۲.

۳. مرجان خسروی، «بررسی آزادی حجاب و وضعیت پوشش زنان در غرب»، مجله پیام زن، صفحه ۲۸ و ۲۹.

۴. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی»، ۱۳۹۱/۰۴/۲۱.

آرامش و امنیت را برای زنان غربی متبلور می‌کند؛ بلکه آن‌ها را با مفاهیم جدید هویت فطری انسان نیز آشنا می‌نماید. از این‌روست که جهان شاهد روی آوردن بسیاری از زنان غربی حتی سلبریتی‌ها به حجاب و اسلام است. برای نمونه سارا بوکر هنرپیشه، مدل و مانکن تازه‌مسلمان آمریکایی می‌گوید:

من علاقه بسیاری به مادیات و زرق و برق زندگی در شهرهای گران داشتم. از این‌رو از فلوریدا به ساحل جنوبی میامی منطقه پرشور برای جستجوگران "زندگی پر زرق و برق" نقل مکان کردم. من بر اساس ارزیابی ارزش خودم بر مبنای میزان جلب توجه دیگران به ظاهر و جذابیت و گیرایی خودم توجه داشتم. به علت افزایش مستمر فاصله میان رضایت شخصی من و سبک زندگی ام، من در فرار از الکل و مهمانی‌ها (پارتی‌ها) به مراقبه (مدیتیشن) و مذاهب غیرمتعارف پناه می‌بردم. در نهایت متوجه شدم که تمامی آن‌ها فقط یک مسکن هستند و نه یک درمان مؤثر. سال‌ها گذشت تا متوجه شوم که هر چه بیشتر در "جذابیت زنانگی ام" پیشرفت می‌کنم، درجه رضایت شخصی و خوشبختی ام افت می‌کند. من برده مد بودم، من گروگان ظاهر بودم. پس از آشنایی با قرآن و اسلام، یک ردای زیبای بلند و یک پوشش سر که شبیه لباس عرفی زنان مسلمان است، خریداری کردم و در خیابان‌ها و محله‌هایی که روزهای پیشین با شلوار کوتاه، بیکیینی و یا با لباس کار "شیک" سبک غربی در آن‌ها راه می‌رفتم، ظاهر شدم. اگر چه مردم، چهره‌ها و مغازه‌ها همه همان‌ها بودند، اما یک چیز به طرز چشمگیر و استثنائی متفاوت بود. من همان نبودم و نه آرامشی که من برای اولین بار در زن بودن تجربه کردم. به شما زنانی که مفاهیم زشت کلیشه‌ای علیه حجاب فروتنانه اسلامی را می‌پذیرید، می‌گویم که شما نمی‌دانید که چه چیزی را دارید از دست می‌دهید.^۱

حجاب برای برخی زنان غربی به حدی هویت‌بخش است که حتی آن را به دیگر دوستان خود نیز پیشنهاد می‌دهند. اول فوریه امسال جمعی از زنان محجبه کشور ایرلند به مناسبت روز جهانی حجاب، تصمیم به برگزاری مراسمی گرفتند و پیشنهاد تجربه استفاده از حجاب را به زنان

۱. خبرگزاری مشرق، «فرهنگ حجاب و عفاف اسلامی چگونه غرب را احاطه کرده است»، ۱۳۹۱/۰۴/۰۵، کد خبر:

غیر مسلمان دادند. به گفته این زنان، هدف آن‌ها معرفی کردن حجاب به دیگر زنان کشور است تا با داشتن حجاب و پوشش، امنیت آرامش را تجربه کنند.^۱

بنا بر پژوهش‌ها، مسلمانان فرانسه، حجاب یا حجاب اسلامی را جزء اساسی هویت خود می‌دانند.^۲ پروفیسور "مادلین زیلفی" درباره افزایش روند تمایل قشر تحصیل کرده زنان در دانشگاه‌های آمریکایی می‌گوید: «سرعت این روند مرا کنجکاو کرده است، من بارها این موضوع را در دانشکده دیده‌ام که اسلام به دختران هویت بخشیده است». وی همچنین می‌گوید: «حجاب، کلمه‌ای است که معنای بسیار دارد. حجاب همیشه در داخل و خارج کشورهای اسلامی، نماینده خیلی از چیزها از جمله یک بیانیه سیاسی محکم علیه فساد و بی‌بند و باری و یک عمل مذهبی عمیق شخصی بوده است. این موضوع به اصل اسلام برمی‌گردد. قرآن حجاب را در قالب لباس لازم شمرده است».^۳

تناسب پوشش با محیط

یکی از اصول حجاب در اسلام، تناسب پوشش با محیط است؛ به‌گونه‌ای که میزان و نوع حجاب در برابر خانواده، محارم، محل کار، جامعه و... متفاوت است.^۴ جالب است که غرب با تأسی از نگاه اسلام، به تناسب پوشش به حضور در اجتماع پرداخته است؛ به‌گونه‌ای که برای حفظ کارکرد شغلی، آموزشی و... جوامع به تطبیق پوشش افراد با ماهیت آن محیط می‌پردازد. برای نمونه «سازمان‌های غرب وقتی منفعت در میان باشد، از الگوی پوششی زنان مسلمان به نفع خود استفاده می‌کنند و آن‌گاه تطبیق‌های خاصی انجام می‌دهند. امروزه نیروی پلیس، دارای لباسی است که شامل حجاب برای زنان می‌شود. بیمارستان‌ها به تدریج به زنان مسلمان اجازه

۱. خیرگزاری مهر، «انتخاب حجاب و پشت پا زدن ستارگان غربی به نگاه تجاری به زنان»، ۱۳۹۸/۰۴/۲۰، کد خبر: ۴۶۵۹۳۸۶.

<https://www.mehrnews.com/news/4659386>

2. Croucher, S. M. (2008). French-Muslims and the hijab: An analysis of identity and the Islamic veil in France. *Journal of Intercultural Communication Research*, 37(3), 199-213.

۳. وب‌سایت روزنامه جام جم، «چرا تازه مسلمانان به حجاب علاقه دارند؟»، ۱۴۰۱/۰۷/۱۱، شماره روزنامه ۶۳۲۱.
<https://www.jamejamdaily.ir/Newspaper/item/155060>

۴. زینب خسروی‌نیا و ازاده سالاری جاثینی، «معیارهای انتخاب پوشش متناسب با سبک زندگی اسلامی از منظر آیات و روایات»، دوفصلنامه مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت، ص ۱۳۱.

می دهند که در محل کار خود آستین بلند داشته باشند؛ در حالی که قبلاً مجبور بودند آستین کوتاه داشته باشند. بیمارستان‌ها می دانند که حجاب یک مشکل سلامتی و ایمنی نیست؛ زیرا سایر کارکنان به دلایل بهداشتی و ایمنی مجبورند موهای خود را بپوشانند».^۱

آن‌ها در بسیاری از محیط‌های آموزشی و دانشگاهی و حتی برای معلمان، قوانینی برای تطبیق پوشش متناسب با علت حضور در محیط وضع کرده‌اند؛ زیرا معتقدند که مریبی باید از سبک لباس رسمی در محیط آموزشی استفاده کند.^۲ در قوانین مربوط به پوشش دانشگاه بایلور (آمریکا) نیز چنین آمده است: «برای حفظ استانداردهای تأیید شده در مورد ظاهر، صلاحیدیهایی در اختیار معاونت زندگی دانشجویی و همکارانش قرار گرفته است. نقض آشکار این استانداردها مانند عدم پوشاندن بدن به اندازه کافی یا پوشیدن کفش نامناسب برای حضور در کلاس، کافه تریا، دفاتر دانشگاه و سایر مکان‌ها و زمان‌های مناسب، ممکن است دانشجو را تحت تعقیب انضباطی قرار دهد. از دانش‌آموزان انتظار می‌رود که چه در محوطه دانشگاه و چه در خارج از دانشگاه لباس مناسب بپوشند...».^۳

تطبیق‌هایی که به واسطه حضور زنان محجبه در غرب با پوشش اسلامی صورت گرفته است، سبب افزایش علاقه بانوان به بازیابی هویت فطری و نیز گسترش پوشش پوشیده‌تر در جامعه شده است. در این زمینه نشریه پوشش زنان گزارش می‌دهد که درخواست برای لباس‌های پوشیده، سال به سال افزایش می‌یابد و این افزایش به سبب تغییراتی است که در محیط اجتماعی پدید آمده است.^۴ این موضوع عامل تحول سبک تولید لباس‌ها در برندهای مطرح نیز شده است.

۱. خبرگزاری بین‌المللی قرآن، «حجاب به بخشی از بافت اجتماعی فرهنگ غرب تبدیل شده است»، ۱۴۰۱/۱۱/۱۷، کد خبر: ۴۱۱۳۹۵۶.

<https://iqna.ir/fa/news/4113956>

2. Dunbar, N. E., & Segrin, C. (2012). Clothing and teacher credibility: An application of expectancy violations theory. *International Scholarly Research Notices*, 2012.

3. Student Dress and Appearance, Baylor University, Date Last Revised: September 23, 2020, IN: <https://www.baylor.edu/risk/doc.php/342477.pdf>

۴. علی غلامی، مسئله حجاب در غرب (بررسی حقوقی - جامعه‌شناختی)، ص ۱۸.

فهرست منابع

کتاب

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۲. غلامی، علی، مسئله حجاب در غرب (بررسی حقوقی - جامعه‌شناختی)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۱ش.
۳. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح هاشم رسولی، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری،
۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ش.

مقالات

۱. امام، سید مجید و نوید عمیدی مظاهری، «صورت‌بندی مسئله حجاب زن مسلمان در اروپا، از هویت اروپایی تا حقوق فرهنگی»، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات جنسیت و خانواده، دوره ۸، شماره ۱، شهریور ۱۳۹۹، ص ۳۹-۱۱.
۲. خسروی‌نیا، زینب و ازاده سالاری جانی، «معیارهای انتخاب پوشش متناسب با سبک زندگی اسلامی از منظر آیات و روایات»، دوفصلنامه مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت، دوره ۵، شماره ۱۰، اسفند ۱۴۰۱، ص ۱۵۱-۱۲۷.
۳. خسروی، مرجان، «بررسی آزادی حجاب و وضعیت پوشش زنان در غرب»، مجله پیام زن، دوره ۲۷، شماره ۳۱۹، دی ۱۳۹۷، ص ۲۹-۲۸.
۴. دولتی، فاطمه، «من یک پادری هستم»، مجله پیام زن، دوره ۲۷، شماره ۳۱۱، اردیبهشت ۱۳۹۷، ص ۱۳-۱۲.
۵. سجادی، سید ابراهیم، «قرآن و فلسفه حجاب»، پژوهش‌های قرآنی، دوره ۱۳، شماره ۵۱ و ۵۲، بهمن ۱۳۸۶، ص ۹۱-۶۲.

سایت‌ها

۱. پایگاه دفتر اطلاع‌رسانی حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای علیه‌السلام.
۲. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، «رشد گرایش به حجاب اسلامی در سوئد»، مجله اسلام و غرب، شماره ۲۷.
۳. خبرگزاری بین‌المللی قرآن، «حجاب به بخشی از بافت اجتماعی فرهنگ غرب تبدیل شده است»، ۱۴۰۱/۱۱/۱۷، کد خبر: ۴۱۱۳۹۵۶.
۴. خبرگزاری مشرق، «فرهنگ حجاب و عفاف اسلامی چگونه غرب را احاطه کرده است»، ۱۳۹۱/۰۴/۰۵، کد خبر: ۱۲۶۳۸۷.
۵. خبرگزاری مهر، «انتخاب حجاب و پشت پا زدن ستارگان غربی به نگاه تجاری به زنان»، ۱۳۹۸/۰۴/۲۰، کد خبر: ۴۶۵۹۳۸۶.
۶. وب‌سایت روزنامه جام جم، «چرا تازه مسلمانان به حجاب علاقه دارند؟»، ۱۴۰۱/۰۷/۱۱، شماره روزنامه ۶۳۲۱.
7. yng, M. D. (2010). Symbolically Muslim: media, hijab, and the West. *Critical sociology*, 36(1), 109-129.
8. Tarlo, E. (2007). Hijab in London: Metamorphosis, resonance and effects. *Journal of Material Culture*, 12(2), 131-156.
9. Croucher, S. M. (2008). French-Muslims and the hijab: An analysis of identity and the Islamic veil in France. *Journal of Intercultural Communication Research*, 37(3), 199-213.
10. Student Dress and Appearance, Baylor University, Date Last Revised: September 23, 2020, IN: <https://www.baylor.edu/risk/doc.php/342477.pdf>.

روش‌های تربیت فرزند ولایت‌مدار

حجت الاسلام و المسلمین علیرضا انصاری*

اشاره

یکی از شاخصه‌های مهم خانواده دینی، ولایت‌مداری است؛ خانواده‌ای که همه اعضای آن دل‌باخته اهل بیت علیهم‌السلام هستند و آموزه‌های ایشان را الگوی رفتار خود قرار می‌دهند. تربیت ولایی با روش‌مندی تربیت فرزندان شکل می‌گیرد. پدر و مادر می‌توانند این رسالت را انجام دهند؛ چنانکه رسول اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است: «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ»^۱ فرزندان خود را بر سه خصلت تربیت کنید: دوست داشتن پیامبرتان، دوست داشتن اهل بیت او و خواندن قرآن». واژه ولایت، گاه به فتح واو (ولایت) و گاه با کسر واو (ولایت) به کار می‌رود. گروهی از لغویون ولایت را در مورد پیوندهایی مانند خویشاوندی، محبت، وراثت و نصرت و یاری کردن به کار برده و ولایت را به سرپرستی و زمامداری امور معنا کرده‌اند.^۲ برخی نیز واژه ولایت را به معنای سرپرستی یا دوستی دانسته‌اند.^۳ با استناد به آیات و روایات مشخص می‌شود که معنای ولایت، اعم از ولایت به معنای دوستی و امامت اهل بیت علیهم‌السلام است.

* نویسنده و پژوهشگر.

۱. علی بن حسام متقی هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۴۵۴۰۹.

۲. محمد بن احمد ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۵، ص ۳۲۳، محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ص ۴۰۶؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۵۵، ذیل واژه ولا؛ حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۸۸۵.

۳. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۵۵؛ محمد بن محمد مرتضی زبیدی، تاج العروس، ج ۱۵، ص ۷۰۴، حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۸۸۵.

روش‌های تربیت

برای اینکه فرزندان خود را ولایت‌مدار تربیت کنیم، روش‌هایی وجود دارد که در این جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. تقویت باورهای دینی

مسائل اعتقادی، زیربنای تفکر انسان است. شالوده زندگی انسان بر اساس عقیده او پایه‌ریزی می‌شود. هدفداری، پوچ‌گرایی، بی‌تفاوتی، سکوت و یا حرکت و جهاد، همه در رابطه با اعتقادات انسان‌ها شکل می‌گیرد. به قول استاد شهید مطهری «همه دین‌ها و آیین‌ها و همه مکتب‌ها و فلسفه‌های اجتماعی، متکی بر نوعی جهان‌بینی بوده است. هدف‌هایی که يك مکتب عرضه می‌دارد و به تعقیب آن‌ها دعوت می‌کند ... همه به منزله نتایج لازم و ضروری جهان‌بینی‌ای است که عرضه داشته است».^۱

از آنجا که عقیده به امامت و محبت به آنان و اطاعت از اوامر و نواهی آن‌ها، نقش تعیین‌کننده‌ای در سعادت و بهروزی انسان دارد، والدین باید با بیان استوار و دلایل عقلی و نقلی باور به امامت را در فرزندان خود تقویت و بارور کنند و اگر سؤالی در ذهن فرزندان خود یافتند، آن را پاسخ دهند. اگر والدین توانایی تقویت باورها و پاسخگویی به سؤالات مذهبی فرزندان را ندارند، باید به سراغ عالمان دین و کارشناسان مذهبی بروند و با مشورت با آنان به این وظیفه مهم خود اقدام کنند.

در همین راستا یکی از وظیفه‌های مهم والدین، نظارت و کنترل بر اعمال و باورهای فرزندان است؛ زیرا فرزندان در مقطع سنی نوجوانی و جوانی به دلیل قرار داشتن در دوران بحران ممکن است هر لحظه دچار اشتباه شود. افزون بر آن در عصر حاضر دشمنان با استفاده از ابزارهایی مانند ماهواره و اینترنت، مبانی دینی جوانان را نشانه گرفته‌اند. در این میان والدین می‌توانند با درایت و یژه بر رفتار و عقاید فرزندان خود نظارت کنند و آنان را از خطا و اشتباه‌هایی بخشند. دختر شهید مطهری می‌گوید:

من در مدرسه رفاه درس می‌خواندم و بچه‌های خانواده‌های مجاهدین خلق هم در آنجا بودند. پدر دقیقاً حواس‌شان بود که معلم‌ها چه می‌گویند و یا شاگردان دیگر چه تأثیری روی ما دارند. پدر خیلی زود متوجه جریان التقاط شدند و آن را نشانه رفتند. یادم هست یکی از بچه‌های

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲، ص ۷۷.

مدرسه که از نظر فکری با مجاهدین در ارتباط بود، فوت کرد و معلم‌ها گفتند که در مجلس ختم او شرکت کنیم. پدرم اجازه ندادند و روز بعد مدیر مرا مورد عتاب شدید قرار داد، اما پدر می‌گفتند که برای مقابله با جریان التقاط و نفاق نباید از چیزی بترسیم و دائماً ما را تغذیه فکری می‌کردند.^۱

۲. تبیین جایگاه و معارف اهل بیت علیهم‌السلام

یکی از روش‌های تربیت ولایی فرزندان، آشنا کردن آن‌ها با مقام و سخنان ارزشمند اهل بیت علیهم‌السلام است. فرزندان ما باید از مقام و جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام در نظام اعتقادی و نظام هستی مطلع شوند. در نظام اعتقادی، ولایت مهم‌ترین رکن دین شمرده شده است؛ چنانکه امام محمد باقر علیه‌السلام فرموده است: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ»^۲ اسلام بر پنج پایه استوار گردیده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت. آنچنان که کسی به ولایت فراخوانده شده است، به هیچ چیز دیگری فراخوانده نشده است. هم چنانکه شناخت اهل بیت و امامان علیهم‌السلام موجب هدایت شخص و جامعه می‌شود: «اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ صَلَّكَ عَنْ دِينِي»^۳ خداوند! حجت خود را به من شناسان. اگر او را به من شناسانی، من در امور دینی خود به بیراهه خواهم رفت.

وجود و بقای نظام هستی با ولایت اهل بیت علیهم‌السلام گره خورده است: «بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ يَخْتَمُ وَبِكُمْ يُنَزَّلُ الْعَيْثُ وَبِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِكُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ وَيَكْشَفُ الضَّرُّ»^۴ با شما آغاز کرد و با شما ختم می‌کند و به خاطر شما باران فرو می‌ریزد و تنها برای شما آسمان را از اینکه بر زمین فرو افتد، نگاه می‌دارد؛ مگر با اجازه خودش. مطابق این فرازهای زیارت جامعه، آسمان‌ها و زمین و آنچه در آن‌هاست، به واسطه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حضرت زهرا علیها‌السلام و ائمه طاهرين علیهم‌السلام است. اگر بارانی بیبارد، به واسطه آن‌هاست. اگر مصیبتی یا بلایی، غم و غصه‌ای از کسی رفع شود، عامل آن اهل بیت علیهم‌السلام است: «بِكُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ وَيَكْشَفُ الضَّرُّ». در نامه منسوب به امام زمان عجل‌الله‌تعالیه‌فرجه خطاب به شیخ مفید آمده است: «ما همیشه مراعات شما را

۱. پایگاه خبری تحلیلی ۵۹۸، «حجاب در نظر شهید مطهری چادر بود»، ۱۳۹۵/۰۲/۱۲، کد خبر: ۳۷۳۹۴۴.

<https://www.598.ir/fa/news/373944>

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۸.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۳۷.

۴. محمد بن علی صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۵.

می‌کنیم و به یاد شما هستیم؛ و گرنه دشواری‌ها و گرفتاری‌ها بر شما فرو می‌ریخت و دشمنان شما را نابود می‌کردند.^۱

فرزندان ما به دنبال سخنان و جملات کوتاه از اندیشمندان معروف حتی چهره‌های خارجی هستند؛ در حالی که سخنانی زیباتر و عمیق‌تر از آن‌ها در کلمات معصومین علیهم‌السلام وجود دارد. متأسفانه ما در نهادهای سازی و گسترش احادیث اهل بیت علیهم‌السلام کم‌کاری کرده‌ایم؛ چنانکه آمار ارتباط با نهج البلاغه در کشور ما تأسف بار است و در یک جامعه آماری با طرح این پرسش که تا کنون چند بار نهج البلاغه را به طور کامل خوانده‌اید، روشن شد که از شش هزار نفر، فقط حدود پنج درصد آن هم تنها یک بار نهج البلاغه را خوانده‌اند.^۲

بر این اساس آشنا کردن فرزندان با احادیث نغز، شیوا، کاربردی و حکیمانه اهل بیت علیهم‌السلام می‌تواند یکی از راه‌های «تربیت ولایی» آن‌ها باشد؛^۳ چنانکه امام رضا علیه‌السلام فرموده است: «فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا؛^۴ اگر مردم با زیبایی‌های سخن ما آشنا شوند، از ما پیروی می‌کنند». امام باقر علیه‌السلام خطاب به خیمه فرموده است: «ای خیمه! شیعیان ما محبت در دلشان افکنده می‌شود و آنان ما را دوست دارند؛ در حالی که ما را ندیده و کلام ما را نشنیده‌اند. اگر آنان ما را ببینند و کلام ما را بشنوند، بر هدایت آنان افزوده می‌شود».^۵

ولایت گنج عشقی در دل ماست	محبت هم سرشته با گل ماست
دیانت بی‌شما کامل نگردد	به جز با عشق‌تان، دل، دل نگردد
اگر ناقابلیم و شرمساریم	به جز عشق شما چیزی نداریم
شما در ظاهر و باطن امیرید	عنایت کرده ما را دست گیرید ^۶

۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.

۲. وبسایت بلاغ، «ضرورت آشنایی با نهج البلاغه و راهکارهای آن»، ۱۳۸۵/۰۹/۱۵، کد خبر: ۱۲۵۷۸.

<https://www.balagh.ir/content/12578>

۳. جمعی از نویسندگان، سیمای خانواده در اسلام، ص ۳۱۰.

۴. محمد بن علی صدوق، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۳۰۸.

۵. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۵۱.

۶. جواد محدثی، برگ و بار، ص ۶۱.

۳. ولایت‌مداری والدین

والدین به عنوان رکن اساسی خانواده، نقشی کلیدی در رفتار و باورهای فرزند ایفا می‌کنند؛ چراکه آن‌ها بیشتر اوقات با والدین در ارتباط هستند و با الگوبرداری از رفتارهای والدین بسیاری از آداب دینی و معاشرت را می‌آموزند. برای مثال اگر والدین به نماز پایبندی نداشته باشند، فرزند نیز به آن اهمیت نمی‌دهد؛ اما اگر والدین به نماز پایبند باشد، فرزند نیز به آن اهمیت می‌دهد. بر اساس تحقیقات «بسیاری از افرادی که در بزرگسالی نسبت به عبادات از خود سستی نشان می‌دهند، بی‌اعتقاد به دین و تکالیف دینی نیستند؛ بلکه نتیجه بی‌توجهی یا عدم تقید والدین آن‌ها نسبت به انجام به موقع تکالیف دینی و عبادی است. از سوی دیگر فرزندان با مشاهده صحنه‌های عبادت والدین از آن تأثیر می‌پذیرند؛ زیرا تجربه، تفکر و تعلیم وسایلی هستند که به انسان قدرت تشخیص می‌دهد».^۱

بر این اساس یکی از روش‌های ولایت‌پذیری فرزندان، ولایت‌مداری والدین است. وقتی فرزندان ببینند که پدر و مادرشان از اهل بیت علیهم‌السلام پیروی می‌کنند، آن‌ها نیز تأثیر می‌پذیرند. شهید سلیمانی، نمونه‌ای از انسان ولایت‌مدار است. ایشان در وصیت‌نامه خود می‌نویسد: «خداوندا! ای قادر عزیز و ای رحمان رزاق! پیشانی شکر شرم بر آستانت می‌سایم که مرا در مسیر فاطمه اطهر علیها‌السلام و فرزندان در مذهب تشیع - عطر حقیقی اسلام - قرار دادی و مرا از اشک بر فرزندان علی بن ابی طالب علیهم‌السلام و فاطمه اطهر علیها‌السلام بهره‌مند نمودی؛ چه نعمت عظمایی که بالاترین و ارزشمندترین نعمت‌های است».^۲ عشق و ارادت شهید سلیمانی به اهل بیت علیهم‌السلام، موجب عشق ایشان به امامین انقلاب - به عنوان نائبان امام زمان علیه‌السلام - شد. ایشان در وصیت‌نامه خویش می‌نویسد: «خداوندا! تو را شکرگزارم که پس از عبد صالحت خمینی عزیز، مرا در مسیر عبد صالح دیگری که مظلومیتش اعظم است...؛ خامنه‌ای عزیز که جانم فدای جان او باد، قرار دادی. برادران و خواهران عزیز...؛ خامنه‌ای عزیز را عزیز جان خود بدانید».^۳ دختر شهید مطهری می‌گوید:

یادم است که پدر طوری از امام علیه‌السلام صحبت می‌کردند که من نیز مثل ایشان، نسبت به امام علیه‌السلام عشق عجیبی پیدا کرده بودم. دائماً هم که از سر کوجه‌مان شعار «یا مرگ یا

۱. احمد احمدی، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، ص ۸۱.

۲. جمعی از نویسندگان، اخلاق و معنویت در مکتب شهید سلیمانی، ص ۶۳.

۳. همان، ص ۸۸.

خمینی» را می‌شنیدم و با تصویری که پدر از ایشان در ذهن من نقش کرده بودند، در آن عالم بچگی و تا سن هفت هشت سالگی، العیاذ باللّه ایشان را با خدا مقایسه می‌کردم و چنین تصویری در ذهن داشتم. بعدها درست مثل پدرم، این احساس تبدیل به احترام، اعتقاد و علاقه عمیقی شد که در همه فرزندان پدرم وجود دارد...»^۱.

۴. انتخاب بهترین نام

انتخاب اسم، یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌هایی است که بر عهده والدین گذاشته شده است؛ زیرا انتخاب اسم نقش بنیادی و اساسی در شخصیت‌سازی و سرنوشت فرزندان دارد. دیوید ژو^۲ می‌گوید: «از آنجا که اسم برای شناسایی فرد و برقراری ارتباط روزمره با او به کار می‌رود، مبنای درک فرد از خودش می‌شود؛ به خصوص در ارتباط با دیگران». گوردون آلپورت^۳ نیز می‌نویسد: «در تمام عمر، اسم ما مهم‌ترین مرجع تعریفی است که از خود داریم»^۴.

یکی از روش‌های افزایش ولایت‌مداری در فرزندان، انتخاب اسامی اهل بیت علیهم‌السلام برای آنهاست؛ زیرا اسم، پرتکرارترین واژه‌ای است که در زندگی به کار برده می‌شود و در شخصیت‌سازی و شکل‌گیری باورهای فرزندان نقش بنیادی دارد. اگر هر روز چند مرتبه واژه اسامی اهل بیت علیهم‌السلام همچون محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، علی علیه‌السلام، حسین علیه‌السلام در فضای خانواده تکرار شود، معرفت فرزندان نسبت به ایشان افزایش می‌یابد. از همین روست که در روایات به نامگذاری فرزندان به اسم اهل بیت علیهم‌السلام تأکید شده است. امام صادق علیه‌السلام در این باره فرموده است: «لَا يُؤَلَّدُ لَنَا وَوَلَدٌ إِلَّا سَمِينًا مُّحَمَّدًا فَإِذَا مَضَى لَنَا سَبْعَةُ أَيَّامٍ فَإِنْ شِئْنَا غَيْرَنَا وَإِنْ شِئْنَا تَرَكْنَا؛^۵ هیچ نوزادی برای ما متولد نمی‌شود، مگر اینکه نخست نام او را محمد می‌نامیم و پس از هفت روز اگر خواستیم نامش را تغییر می‌دهیم». ربیع پسر عبدالله به امام صادق علیه‌السلام عرض کرد: فدایت شوم،

۱. پایگاه خبری تحلیلی ۵۹۸، «حجاب در نظر شهید مطهری چادر بود»، ۱۳۹۵/۰۲/۱۲، کد خبر: ۳۷۳۹۴۴.

<https://www.598.ir/fa/news/373944>

۲. روانشناس دانشگاه آریزونا.

۳. یکی از بنیانگذاران روانشناسی شخصیت.

۴. سیناپرس خبرگزاری علم و فرهنگ، «آیا اسم شما روی شخصیت‌تان تأثیر دارد؟»، ۱۴۰۰/۰۳/۲۳، کد خبر: ۱۱۸۴۷۲.

<https://sinapress.ir/news/118472>

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۱۹.

ما بچه‌های خود را به نام شما و پدران گرامی‌تان می‌نامیم، آیا این کار برای ما سودمند است؟ امام فرمود: «بله به خدا سوگند! و آیا دین غیر از حب و دوست داشتن ما اهل بیت علیهم‌السلام است؟»^۱.
همسر شهید علی بی‌نا می‌گوید:

لحظاتی قبل از به دنیا آمدن فرزندمان، علی داشت سوره مریم را تلاوت می‌کرد. وقتی به دنیا آمد، در گوشش اذان و اقامه خواند. بعد هم گفت: «زینب خانم! قدمت مبارک باشد». مادرم گفت: «اسم زینب را برایش انتخاب نکنید؛ چون غصه برادرش را می‌خورد و مصیبت می‌بیند». علی گفت: «مادر جان! زینب یعنی صبر، مقاومت و ایثار. همین اسم باشد». بعد هم به من گفت: «باید طوری تربیتش کنی که بتواند رسالت زینب کربلا را به دوش بکشد».^۲

۵. حضور در اماکن مقدسه

یکی از ویژگی‌های فرهنگ غنی شیعه، داشتن زیارات و اماکن مقدسه است که در انتقال مفاهیم و شناخت اهل بیت علیهم‌السلام نقش اساسی دارد؛ زیرا زیارت هر شخصیتی، عامل معرفت و محبت‌افزایی است. اهل بیت علیهم‌السلام برای زیارت مرقد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اهمیت خاص قائل بودند و دیگران را به این امر دعوت می‌کردند. برای مثال امام حسن علیه‌السلام از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرسید: «پاداش آنکه زیارت کند، چیست؟». حضرت فرمود: «پسرم! هر که مرا یا پدرت یا برادرت یا تو را در حال حیات و ممات زیارت کند، بر من است که در قیامت او را زیارت کنم و از گناهانش نجات دهم».^۳

امروزه که از دیدار امامان علیهم‌السلام محرومیم، زیارت قبور مطهرشان روش موفقیت در تربیت ولایی فرزندان است؛ زیرا زیارت مزار مطهر ائمه علیهم‌السلام، یادآور شخصیت آن بزرگواران است؛ چنانکه پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است: «وَالزِّيَارَةُ تُثَبِّتُ الْمَوَدَّةَ»؛^۴ زیارت و دیدار، محبت‌آور است».

بنابراین والدین می‌توانند به صورت زیارت خانوادگی، فرزندان را از فضای ولایی حرم‌ها و

۱. عبدالعلی بن جمعه حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۲۸.

۲. رضا آبیاری، سرداران آسمانی و همسران زمینی، ص ۲۲.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۴۹؛ نیز ر. ک: علی حسینی‌زاده، سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۱۲۰.

۴. محمد بن محمد ابن‌اشعث، الجعفریات، ص ۱۵۳.

زیارتگاه‌ها بهره‌مند کنند و متون زیارت‌نامه‌هایی مانند زیارت جامعه کبیره را در اختیار فرزندان قرار دهند و یا برای آن‌ها بخوانند؛ چنانکه در زیارت اربعین که جلوه‌ای از ولایت‌مداری است، می‌خوانیم: «گواهی می‌دهم که به شما ایمان دارم و به بازگشت شما با قوانین دین خود و سرانجام عمل خود یقین دارم، با شما همدل و در رفتار پیرو شمایم و یاریم برای شما آماده است تا خداوند اجازه دهد؛ پس همراه شما هستم، همراه شمایم، نه همراه دشمنان شما».^۱

۶. برگزاری مراسم مذهبی

یکی از روش‌های تربیت ولایی فرزندان، حضور فرزندان در مراسم عزاداری و ولادت اهل بیت علیهم‌السلام است. اگر خانواده‌ها در میلاد ائمه علیهم‌السلام جشن بگیرند و شاد باشند و در ایام سوگواری‌شان عزاداری کنند و در مجالس اهل بیت علیهم‌السلام شرکت کنند و فرزندان خود را نیز به این مجالس ببرند، می‌توانند آنان را دل‌باخته اهل بیت علیهم‌السلام کنند؛ همان چیزی که امروزه در برخی خانواده انجام می‌شود که در ایام ولادت معصومین علیهم‌السلام جلسات شادمانی برگزار می‌کنند و یا جلسات عزاداری برگزار می‌نمایند. این رویکرد موجب می‌شود فرزندان ما به آموزه‌ها و جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام بیشتر آشنا شوند و به اینان عشق ورزند؛ چنانکه امام علی علیه‌السلام فرموده است: «وَ اخْتَارَ لَنَا شِيعَتَنَا يَنْصُرُونَنَا وَيَفْرَحُونَ بِفَرَحِنَا وَيَحْزَنُونَ بِحُزْنِنَا»^۲ خداوند برای ما شیعیان ما را برگزید تا یاریگر ما باشند و در شادی ما شاد و در غم ما غمگین باشند». دختر شهید صیاد شیرازی می‌گوید:

پدرم در همه ایام سال برای همه لحظات و ساعات زندگی برنامه‌ریزی داشت، مگر ایام شهادت و ولادت اهل بیت علیهم‌السلام. روزهای شهادت و ایام عزاداری ائمه علیهم‌السلام به اتاقش می‌رفت و درباره زندگی آن امام مطالعه می‌کرد و ما را نیز به مطالعه تشویق می‌نمود. می‌گفت: «این روز را تعطیل کرده‌اند تا ما بیشتر از امام‌مان بدانیم و با او آشنا شویم». روزهای ولادت و شادی ائمه علیهم‌السلام، فضای شادی را در خانه به راه می‌انداخت. از دو روز قبل شیرینی سفارش می‌داد تا آن روز که به خانه می‌آید، دست خالی نباشد. به روزهای ولادت بیشتر از عید نوروز اهمیت می‌داد و به عید غدیر از همه بیشتر.^۳

۱. محمد بن حسن طوسی، مصباح‌المتجهد و سلاح‌المتعبد، ج ۲، ص ۷۸۹.

۲. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی، تحف‌العقول، ص ۱۲۳.

۳. رضا آبیاری، سرداران آسمانی و همسران زمینی، ص ۲۲.

فهرست منابع

کتاب

۱. ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات، چاپ اول، تهران: مکتبه النینوی الحدیثه، بی‌تا.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تصحیح جمال‌الدین میردامادی، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزی - دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۴. احمدی، احمد، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، چاپ ششم، اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۷ش.
۵. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۶. جمعی از نویسندگان، سیمای خانواده در اسلام، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۵ش.
۷. جمعی از نویسندگان، اخلاق و معنویت در مکتب شهید سلیمانی، قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۰ش.
۸. حسینی‌زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام، چاپ نهم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷ش.
۹. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تصحیح صفوان عدنان داوودی، چاپ اول، بیروت - دمشق: دارالقلم - دارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۱. صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، تصحیح مهدی لاجوردی، چاپ اول، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۱۲. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۱۳. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی اهل اللجاج، چاپ اول، تهران: اسلامیه، ۱۳۸۱ش.
۱۴. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش.

۱۵. طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، چاپ اول، بیروت: مؤسسة فقه الشيعة، ۱۴۱۱ق.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية ۱۴۰۷ق.
۱۷. متقی هندی، علی بن حسام، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۹. محدثی، جواد، برگ و بار، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش.
۲۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: انتشارات صدرا.

سایت‌ها

۱. پایگاه خبری تحلیلی ۵۹۸، «حجاب در نظر شهید مطهری چادر بود»، ۱۳۹۵/۰۲/۱۲، کد خبر: ۳۷۳۹۴۴.
۲. سیناپرس خبرگزاری علم و فرهنگ، «آیا اسم شما روی شخصیت تان تأثیر دارد؟»، ۱۴۰۰/۰۳/۲۳، کد خبر: ۱۱۸۴۷۲.
۳. وبسایت بلاغ، «ضرورت آشنایی با نهج البلاغه و راهکارهای آن»، ۱۳۸۵/۰۹/۱۵، کد خبر: ۱۲۵۷۸.

تبلیغ فحانواؤ

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال اول - شماره دوم

بهار و تابستان ۱۴۰۲

نحوه همسرگزینی در سیره امام حسین و امام سجاد علیهما السلام

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی محسنی *

اشاره

گزینش همسر، یکی از مهم‌ترین تصمیمات زندگی انسان است؛ زیرا آرامش در زندگی، فراهم کردن زمینه برای ترقی مادی و معنوی و نیز تربیت فرزند صالح در گرو انتخاب همسر شایسته است. بر همین اساس در آیات و روایات ملاک‌هایی برای گزینش همسر مناسب بیان شده است. حضرات معصومین علیهم السلام در عمل به دستورات دینی پیشقدم بودند تا عمل به این دستورات در نزد پیروان آن‌ها مشکل جلوه نکند و آنها به عنوان پیشقراولان عمل به آموزه‌های دینی، الگوی بشریت شدند. برای یافتن شیوه صحیح در گزینش همسر نیز باید تاریخ زندگی و علت انتخاب‌های همسر از طرف معصومین علیهم السلام مورد مطالعه قرار گیرد و انتخاب‌هایی که در شرایط عادی و بدون مصلحت‌اندیشی و اکراه یا اجبار بوده است، ملاک در الگوگیری از معصومین علیهم السلام شود. در نوشتار پیشرو، همسران امام حسین و امام سجاد علیهما السلام و ویژگی‌های فردی، خانوادگی و علت گزینش این همسران مورد بررسی قرار گرفته است.

ویژگی‌های همسر خوب از منظر قرآن و روایات

از آنجا که دین اسلام به ابعاد مختلف و نیازهای گوناگون انسانی اعم از نیازهای فردی، اجتماعی، روحی و جسمی انسان پرداخته است، ازدواج را امری مقدس دانسته و آن را تشویق کرده و در برخی مواقع واجب دانسته است؛ چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^۱ مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید. همچنین غلامان و کنیزان صالح و

* مدرس حوزه و دانشگاه.

درستکاران را، اگر فقیر و تنگدست باشند؛ خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌کند. خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است».

این مهم در فرمایشات معصومین علیهم‌السلام نیز بارها مورد تأکید قرار گرفته است؛ چنانکه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است: «مَا بَنَى فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ التَّزْوِيجِ؛^۱ در اسلام هیچ بنایی محبوب‌تر از ازدواج نزد خداوند نیست» و در جای دیگر آن را سنت خود دانسته و فرموده است: «النِّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي؛^۲ ازدواج، سنت من است. هر کس از سنت من رویگردان شود، از من نیست». روایاتی با همین مضمون و با اندک تفاوتی در متن در منابع متعددی دیده می‌شود.^۳

افزون بر توصیه به ازدواج، در قرآن و احادیث نسبت به چگونگی انتخاب همسر نیز بیان شده است که با چه کسی پیوند خانوادگی برقرار شود و زن و مرد از چه کسانی بر حذر باشند؛ چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «با زنان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان بیاورند، قطعاً کنیز با ایمان بهتر از زن مشرک است؛ هر چند زیبایی او شما را به شگفت آورد و به مردان مشرک زن مدهید تا ایمان بیاورند، قطعاً برده با ایمان بهتر از مرد آزاد مشرک است؛ هر چند شما را به شگفت آورد. آنان شما را به سوی آتش فرا می‌خوانند و خدا به فرمان خود [شما را] به سوی بهشت و آمرزش می‌خواند و آیات خویش را برای مردم روشن می‌کند، شاید متذکر شوید».^۴ بنا بر این آیه شریفه نباید تنها زیبایی و جمال و ظاهر افراد را ملاک در ازدواج قرار داد. در منابع روایی، روایات متعددی این معنا را به اثبات می‌رساند؛ چنانکه مرحوم کلینی بیش از هفتاد صفحه روایاتی در مورد بایدها و نبایدهای ازدواج و چگونگی آن آورده است. برای مثال روایتی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را نقل می‌کند که حضرت فرموده است: «إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ تَرَضُّونَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرَوْجُوهُ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادٌ كَبِيرٌ؛^۵ با کسی که اخلاق و دینش مورد پسند باشد، ازدواج انجام دهید و اگر چنین نکنید، فتنه و فساد بزرگی در زمین به وجود خواهد آمد». آن حضرت در سخن ارزشمند دیگری فرموده است:

۱. محمد بن حسن حر عاملی. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳.

۲. محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، ص ۱۰۱.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۴۹۶؛ حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ج ۷، ص ۲۲۰.

۴. بقره: ۲۲۱.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۷۲.

تَزَوَّجُوا إِلَى آلِ فُلَانٍ فَإِنَّهُمْ عَفَا فَعَمَّتْ نِسَاؤُهُمْ وَلَا تَزَوَّجُوا إِلَى آلِ فُلَانٍ فَإِنَّهُمْ بَعَا فَبَعَّتْ نِسَاؤُهُمْ وَقَالَ مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ أَنَا اللَّهُ قَاتِلُ الْقَاتِلِينَ وَ مُقْتِرُ الرَّائِيْنَ أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَزُونُوا فَتَزِينِي نِسَاؤُكُمْ كَمَا تَدِينُ تُدَانُ؛^۱ با خانواده‌ای از فلان قوم و قبیله وصلت کنید؛ چرا که مردان‌شان عقیف و پاک‌دامن هستند؛ در نتیجه زنان آنان نیز چنین شدند. با خانواده فلان قوم ازدواج نکنید؛ چرا که مردان‌شان بی‌عفتی کردند و پاک‌دامن نبودند؛ در نتیجه زنان‌شان نیز بی‌عفت هستند.

در سخن دیگری از آن حضرت چنین نقل شده است که فرمود: «با زن به خاطر چهار خصلت ازدواج می‌شود: به خاطر مال، دین، زیبایی و حسب و نسب خانوادگی؛ تو به خاطر دین او ازدواج کن».^۲ بنابراین رسول خدا صلی الله علیه و آله و نیز حضرات معصومین علیهم السلام ضمن اقدام به این امر، دیگران را نیز به آن سفارش نموده‌اند.

شیوه‌های همسرگزینی معصومین علیهم السلام می‌تواند الگوی مناسبی برای افراد و به‌ویژه جوانانی باشد که به دنبال مورد مناسب برای تشکیل خانواده می‌گردند. در سطور آتی به همسران امام حسین و امام سجاد علیهما السلام و ویژگی‌های آن‌ها می‌پردازیم تا شیوه‌گزینش همسر در این دو امام تبیین و الگویی برای انتخاب شریک زندگی ما باشد.

همسران امام حسین علیه السلام

منابع تاریخی پنج همسر برای امام حسین علیه السلام ذکر کرده‌اند. شیخ مفید اسامی آن‌ها را این‌گونه می‌نویسد: «شاه زنان (شهربانو) دختر یزدگرد»، «لیلی دختر ابی‌مره بن عروه بن مسعود ثقفی»، «رباب دختر امرء القیس بن عدی کلبی»، «ام‌اسحاق دختر طلحه بن عبیدالله» و «بانویی از قبیله قضاعیه».^۳ به جز بانویی از اهل قضاعه، بقیه همسران هم خودش و هم اصل و نسب‌شان شناخته شده است.

رباب، دختر امرء القیس است. اگر چه اطلاعات چندانی در مورد امرء القیس نیست، اما همین که حضرت علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیهما السلام هر سه با سه دختر از وی ازدواج کردند، می‌توان به بزرگی خاندان ایشان پی برد.^۴ رباب، جایگاه خاصی نزد امام علیه السلام دارد تا آنجا

۱. همان، ص ۵۵۴.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۱.

۳. محمد بن محمد مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۳۷.

۴. علی بن احمد ابن حزم، جمهره أنساب العرب، ص ۴۵۷.

که حضرت درباره ایشان فرموده است: «سوگند به جان تو، همانا خانه‌ای را که سکینه و رباب در آن ساکن باشند، دوست می‌دارم. آری آن دورا دوست دارم و در آن راه همه اموال خود را می‌بخشم و کسی را حق سرزنش نیست و اگر سرزنش کنندگانی باشند، تا هنگامی که زنده‌ام؛ فرمان‌برند آنان نیستم...»^۱.

این علاقه طرفینی بود و پس از شهادت امام حسین علیه السلام، هنگامی که به این همسر وفادار پیشنهاد ازدواج مجدد دادند و اشراف قریش یکی پس از دیگری به خاستگاریش آمدند، گفت: «بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هیچ پدر شوهری نمی‌خواهم». او مدت يك سال زیر آسمان زیست و حاضر نشد در خانه سر پوشیده و زیر سقف زندگانی کند و از فرط حزن و اندوه جان سپرد.^۲

یکی دیگر از همسران، ام‌اسحاق است. این بانوی بزرگوار دختر طلحة بن عبیدالله بود که ابتدا امام حسن مجتبی علیه السلام با ایشان ازدواج کرد. در محاسن ایشان همین بس که امام حسن علیه السلام وصیت کرد بعد از شهادتش امام حسین علیه السلام با ایشان ازدواج کند.^۳ ام‌اسحاق مادر فاطمه بنت الحسن علیه السلام همسر امام سجاد علیه السلام بود^۴ که امام باقر علیه السلام در دامانش پرورش یافت. ام‌اسحاق پس از ازدواج با امام حسین علیه السلام، فاطمه بنت الحسین علیه السلام را به دنیا آورد.^۵ فاطمه بنت الحسین علیه السلام همسر حسن مثنی، مادر عبدالله محض و جده بسیاری از سادات حسنی است. وصیت امام حسن علیه السلام درباره ازدواج امام حسین علیه السلام با ام‌اسحاق و تربیت دو دختر با نام فاطمه که هر دو در تاریخ سرنوشت‌ساز شوند، نشان‌دهنده شأن و جایگاه معنوی ایشان است.

همسر دیگر امام، بانویی به نام «لیلی بنت مرة بن مسعود ثقفی»، مادر حضرت علی اکبر علیه السلام است. پدر و پدر بزرگ ایشان، از صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله بودند.^۶ پدر بزرگش عروة بن مسعود ثقفی، یکی از افرادی است که در ماجرای صلح حدیبیه از سوی مشرکین قریش نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد. او بعدها مسلمان و داوطلب شد تا به میان قوم خود رود و آن‌ها را به اسلام دعوت کند، اما آن‌ها وی

۱. محمد ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۳۷۱.

۲. عزالدین علی بن محمد ابن اثیر، الكامل فی التاريخ، ج ۴، ص ۸۸.

۳. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الأشراف، ج ۱۰، ص ۱۳۰؛ علی بن حسین ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۲۱، ص ۷۸.

۴. محمد بن محمد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۲۰.

۵. همان، ص ۱۳۵.

۶. احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، الإصابة فی تمییز الصحابة، ج ۷، ص ۳۰۶.

را به شهادت رساندند. پیامبر صلی الله علیه و آله درباره ایشان فرموده است: «عروة در میان قوم خود همانند صاحب یاسین بود در میان قومش».^۱ منظور از صاحب یاسین، حبیب نجار است که در آیه ۲۰ سوره یس ماجرایش نقل شده است. هنگامی که قوم حبیب پیامبران الهی را تکذیب می‌کردند، وی از دورترین جای شهر نزد آن‌ها آمد و آن‌ها را به اطاعت از رسولانی دعوت کرد که برای تبلیغ خود دستمزدی دریافت نمی‌کنند.

مادر لیلی، میمونه دختر ابوسفیان است. میمونه نیز مانند شوهرش عروة از مسلمانان راستین بود و هم‌سلک بنی‌امیه به حساب نمی‌آمد. دختر دیگر ابوسفیان نیز با پدر هم عقیده نبود و با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرد. این ازدواج هنگامی صورت گرفت که پدرش، ابوسفیان از سران کفر بود و با مسلمانان در جنگ‌های مختلف می‌جنگید و ام‌حبیبه نیز با پدر و بت پرستی اقوامش سرستیز داشت.

برگزیده‌ترین همسر امام حسین علیه السلام شهربانو مادر امام سجاد علیه السلام است که در نام و نسب ایشان اختلاف فراوان است. برخی منابع کهن ایشان را دختر یزدگرد، آخرین پادشاه ساسانی می‌دانند^۲ و برخی از وی به عنوان کنیز یاد کرده‌اند.^۳ تفاوت گزارش‌ها تا آنجاست که برخی امام سجاد علیه السلام را «ابن‌الخیرتین» یعنی «پسر دو برگزیده» می‌نامیدند؛ زیرا از یک سواز نسل برگزیده خدا هاشم و از سوی دیگر از عجم فارس بود.^۴ پژوهشگران معاصر نیز نظر یکسانی ندارد. برخی با ترجیح گزارش‌های اول، از ایشان به عنوان شاهزاده ساسانی یاد می‌کنند؛^۵ اما برخی آن را نمی‌پذیرند.^۶ با این حال فراوانی و کثرت گزارش‌های گروه اول، کفه آن را بسیار سنگین می‌کند.

در هر صورت این بانوی یکی از پرفضیلت‌ترین بانوان عالم است؛ زیرا مادر یکی از پرفضیلت‌ترین انسان‌های عالم است. او افتخار مادری امام سجاد علیه السلام را از آن خود کرد. گزارشی

۱. عبدالملک ابن‌هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۵۳۸.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۶۷؛ محمد بن محمد مفید، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۱۳۷؛ احمد بن ابویعقوب یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۷.

۳. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الأشراف، ج ۳، ص ۱۰۱.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۶۷.

۵. محمد هادی یوسفی غروی، الموسوعة التاریخ الاسلامی، ج ۶، ص ۳۵۷ و ۶۵۲.

۶. سید جعفر شهیدی، زندگانی علی بن‌الحسین (ع)، ص ۲۴.

در الکافی، از نهایت حجب و حیای او حکایت می‌کند. در همین گزارش حضرت علی علیه السلام خطاب به امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «از این دختر بهترین شخص روی زمین برای تو متولد می‌شود».^۱

فضایل، ویژگی‌ها و خصوصیات این چهار بانوی شایسته، حاکی از آن است که امام حسین علیه السلام در انتخاب این همسران ملاک‌های قرآنی را در نظر گرفت و دین، محورگزینش و انتخاب این همسران بود. اگرچه لیلی از طرف مادر نسبش به بنی امیه و شهربانو بر فرض صحت دختر یزدگرد بودن، نسبش به ساسانیان می‌برد؛ اما فضایل فردی این افراد بر نقصان نسبی آنها برتری داشت و این خود می‌تواند یکی از ملاک‌ها باشد.

همسران امام سجاد علیه السلام

امام سجاد علیه السلام نیز با دختر عموی خود فاطمه دختر امام حسن علیه السلام ازدواج کرد و این بانو موجب پیوند نسل دو امام با یکدیگر شده است؛ زیرا ثمره این ازدواج امام محمدباقر علیه السلام بود. بنابراین پس از امام پنجم، ائمه اطهار علیهم السلام از طرف پدری حسینی و از طرف مادر امام باقر علیه السلام حسینی هستند. این بانو تنها کسی است که دختر امام علیه السلام، همسر امام علیه السلام و مادر امام علیه السلام است. امام باقر علیه السلام درباره عظمت مادرش فرموده است: «روزی مادرم زیر دیواری نشسته بود. دیوار از جای خود بلند شد (تکان خورد و نزدیک بود فرو ریزد). مادرم دست خود را حائل قرار داده و فرمود: به حق مصطفی، خدا اذن نمی‌دهد که تو فرود آیی؛ و دیوار معلق در میان زمین و هوا باقی ماند تا آنکه مادرم از آنجا بگذشت. سپس پدرم امام سجاد علیه السلام صد دینار برای ایشان صدقه داد».^۲ امام صادق علیه السلام نیز از مادر بزرگ خود با عنوان صدیقه یاد کرده و فرموده است: «كَانَتْ صَدِيقَةً لَمْ يُدْرِكْ فِي آلِ الْحَسَنِ مِثْلَهَا»^۳ جدهام صدیقه بود و در دودمان امام حسن علیه السلام کسی به درجه و مرتبه او نرسید».

یکی دیگر از همسران امام سجاد علیه السلام، کنیزی بود که مختار بن ابوعبید ثقفی به ایشان هدیه کرد. این کنیز از حضرت زین العابدین علیه السلام سه پسر و یک دختر به دنیا آورد.^۴ زید، در دامان این

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۶۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۶۹.

۳. سعید بن هبة الله قطب‌الدین راوندی، الدعوات، ص ۶۹.

۴. علی بن حسین ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۱۲۴.

بانو تربیت یافت که علیه جور و ستم بنی امیه قیام کرد و به شهادت رسید. اطلاع دقیقی درباره مادر زید وجود ندارد و تنها می دانیم که ایشان کنیز بود. امام سجاد علیه السلام صرف نظر از نواده پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز امام چهارم شیعیان بودن، از خاندان بزرگ با اصیل عرب است. او کسی است که بزرگان بسیاری آرزو داشتند تا دامادشان شود، اما امام علیه السلام با این شرافت نسبی با این کنیز ازدواج کرد.

امام سجاد علیه السلام ازدواجی با کنیز دیگری داشت که عبدالملک بن مروان خلیفه هم عصر حضرت، نسبت به این ازدواج عیبجویی نمود.^۱ اعتراض وی به ظاهر از این بابت بود که امام از خاندان بزرگ قریش است و سزاوار نیست به یک کنیز ازدواج کند. او به امام علیه السلام نوشت: «در قریش هم طراز و کفو تو وجود دارد. می توانی با ازدواج با یکی از آن ها بزرگی نمایی و از او دارای اولادی نجیب باشی. پس نه برای خودت حرمت قائل شدی و نه برای فرزندان چیزی باقی گذاشتی». امام علیه السلام در پاسخ به نامه وی ضمن دفاع از ازدواج با کنیز، این گونه ازدواج را بر طبق سنت پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کرد؛ چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله با ماریه قبطیه که کنیزی بود، ازدواج کرد. آن حضرت همچنین ابتدا صفیه بنت حی بن اخطب را آزاد کرد و سپس با ایشان ازدواج نمود. سپس امام علیه السلام به ازدواج خود اشاره کرد که کنیزی را در راه خدا آزاد کردم و به این وسیله به اراده الهی و بر اساس سنت الهی رسول خدا صلی الله علیه و آله او را برگردانیدم و با او ازدواج کردم. آنگاه اضافه کرد: «آری، هر آینه خداوند با اسلام، پستی و خسیسه را رفع نموده و به وسیله آن، نقیصه ها را برطرف کرده و لؤم و پستی را برده است. پس بر فرد مسلمان هیچ پستی و لؤم نیست. هر آینه لؤم و پستی، لؤم و پستی جاهلیت است».^۲

اگر چه عبدالملک قصد داشت به امام علیه السلام تذکر دهد که تا آن اندازه زیر نظر هستی که ازدواجت با کنیز به سمع ما می رسد، اما این گزارش و نامه عبدالملک و پاسخ امام علیه السلام گویای آن است که ملاک گزینش همسر نزد امام علیه السلام، ویژگی های ظاهری و حتی آزاد یا برده بودن نبود؛ بلکه همان ملاک های قرآن مد نظر حضرت بود و ملاک های عبدالملک را ادامه تفکر پوسیده جاهلی دانست.

در گزارش دیگری نیز به خوبی سیره امام علیه السلام در گزینش همسر را مشخص شده است. بنا بر نقل امام باقر علیه السلام پدر بزرگوارشان بانویی را در مکه دید و نسبت به ویژگی های وی متعجب شد.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۴۶.

۲. همان، ص ۳۴۴.

از ایشان خواستگاری کرد و ازدواج صورت گرفت. یکی از اصحاب حضرت، این ازدواج را سؤال برانگیز دانست و پس از پرس و جو متوجه شد که بانو از آل ذی الجدین از بنی شیبان است. سپس خدمت امام علیه السلام رسید و عرض کرد: «همواره برایم سؤال بود که چرا شما با یک بانوی ناشناس ازدواج کرده‌اید؟». امام سجاده علیه السلام این نوع نگاه را سرزنش کرد و این گونه افکار را ناشی از تفکر جاهلیت دانست.^۱

نتیجه گیری

قرآن و روایات، ملاک‌هایی را برای انتخاب همسر و شریک زندگی معرفی کرده‌اند. امامان معصوم علیهم السلام به عنوان اسوه و سرمشق مسلمانان، با در نظر گرفتن این ملاک‌ها به گزینش همسر اقدام می‌کردند. البته این بدان معنا نیست که همه همسران امامان علیهم السلام بر پایه ملاک‌های قرآنی بود؛ بلکه این ملاک‌ها در شرایط عادی اولویت اول اهل بیت علیهم السلام بود، اما گاهی عوامل دیگری باعث می‌شد که امام علیه السلام مجبور به کنار گذاشتن اولویت‌ها شود و همسری را انتخاب کند که ملاک‌های قرآنی در آن لحاظ نشده است. این همسران گاهی از باب مصلحت، اکراه و گاهی از باب اجبار (همانند جعده همسر امام حسن مجتبی علیه السلام و ام‌فضل همسر امام جواد علیه السلام) بر ائمه علیهم السلام تحمیل شدند. چنین عواملی در گزینش همسر از طرف امام حسین علیه السلام و امام سجاده علیه السلام دخیل نبود و انتخاب همسر از طرف این دو امام علیهم السلام می‌تواند به عنوان سرمشقی برای مسلمانان قرار گیرد.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۵ق.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق عادل احمد عبدال موجود و علی محمد معوض، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۳. ابن حزم، علی بن احمد، جمهرة أنساب العرب، تحقیق لجنة من العلماء، الطبعة الاولى، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۳ق.
۴. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، تحقیق محمد بن صامل السلمی، چاپ اول، الطائف: مكتبة الصديق، ۱۴۱۴ق.

۱. حسین بن سعید کوفی اهوازی، الزهد، ص ۵۹.

۵. ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبویة، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دار المعرفة، بی تا.
۶. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، الاغانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۷. _____، تحقیق سید احمد صقر، بیروت: دار المعرفة، بی تا.
۸. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، چاپ اول، بیروت: دار الفکر، الأول، ۱۴۱۷ق.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۰. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، نجف: مطبعة حیدریة، بی تا.
۱۱. شهیدی، سید جعفر، زندگانی علی بن الحسین علیهما السلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ، ۱۳۶۵ش.
۱۲. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم: منشورات الرضی، ۱۹۷۲م.
۱۳. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، الدعوات، چاپ اول، قم: انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۷ق.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۱۵. کوفی هوازى، حسین بن سعید، الزهد، تصحیح غلامرضا عرفانیان یزدی، غلامرضا، چاپ دوم، قم: المطبعة العلمیة، ۱۴۰۲ق.
۱۶. مفید، محمد بن محمد، إلهاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۱۷. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، بی تا.
۱۸. یوسفی غروی، محمد هادی، الموسوعة التاريخ الاسلامی، قم: مجمع اندیشه اسلامی، ۱۴۱۷ق.

پیامدهای ازدواج دیر هنگام

زهرارضا نیان*

اشاره

ازدواج یک سنت دیرینه اجتماعی و خواسته طبیعی زن و مرد است که همه مکاتب و ادیان الهی بر آن صحنه گذاشته‌اند و از دیرباز مورد توجه متفکرین و دانشمندان در زمینه‌های مختلف بوده است. در دهه‌های اخیر به علت پیچیدگی‌های امور مربوط به ازدواج، دامنه مسائل مربوط به آن به قلمرو علوم دیگر همچون اقتصاد، جمعیت‌شناسی و سیاست نیز کشیده شده است. ازدواج عامل تشکیل خانواده و تکثیر و بقای نسل انسان است که در عواملی همچون مرگ و میر، امید به زندگی بالاتر و ... تأثیرگذار است. از آنجا که سن ازدواج یکی از شاخصه‌های مهم برای ارزیابی میزان سلامت و بهداشت جسمی و روانی افراد یک جامعه محسوب می‌شود. جوامع انسانی طی دو قرن اخیر، شاهد تغییرات اساسی در سن ازدواج بوده‌اند و روند شکل‌گیری خانواده در خیلی از کشورها طولانی و با تأخیر همراه شده است. ایران نیز همچون سایر کشورهای در حال توسعه در مرحله گذار از سنت به مدرنیته است که تغییرات وسیعی را در همه پدیده‌های اجتماعی از جمله ازدواج سپری کرده است. تأخیر در سن ازدواج، آسیب‌ها و مشکلاتی را به دنبال دارد که در این مقاله به برخی از این آسیب‌ها اشاره می‌شود.

اهمیت ازدواج در اسلام

ازدواج، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین حادثه زندگی انسان است و دختران و پسران، میوه‌های باغ زندگی انسان هستند که دست آفرینش نوعی جاذبه و کشش درونی در آن‌ها به ودیعت نهاده است. اضطراب و نا آرامی آنان در این سنین از طریق ازدواج به سکونت و آرامش تبدیل می‌شود و قرآن

* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث.

که راز آفریدن همسر را «لتسکنوا اليها» می‌داند، به این نکته اشاره دارد: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»^۱؛ و از نشانه‌های خداوند این است که همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد.

ازدواج، احیای سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که فرموده است: «النِّكَاحُ سُنَّتِي، فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي»^۲ ازدواج سنت من است؛ پس هر که از سنت من روی برگرداند، از من نیست». آن حضرت در سخن ارزشمند دیگری فرموده است: «تَنَاقَحُوا تَنَاسَلُوا تَكْتُمُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ بِالسَّقَطِ»^۳ ازدواج کنید و تشکیل خانواده بدهید و تولید نسل نمایید که من در روز قیامت به شما مباحث می‌کنم، حتی به طفل کوچکی که سقط شده باشد». از آنجا که همسرمداری اثر مستقیم و بسیار مثبتی بر جامعه و نسل‌های آینده دارد. از همین روست که خانه‌داری برای زن از نظر اسلام جهاد فی سبیل الله است؛ چنانکه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ»^۴؛ جهاد زن خوب شوهرداری نمودن است. همسرمداری برای مرد نیز ثواب بسیاری دارد؛ چنانکه پیامبر فرمود: «الكَافُ لِغِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۵ مردی که برای آسایش زن و فرزندانش کار می‌کند، همچون جهادکننده در راه خداست».

تکویناً هر دختر و پسر بالغی به ازدواج احتیاج دارد. مبارزه با این نیاز طبیعی و تکوینی، نتیجه‌ای جز بدبختی و فساد ندارد. به حکم تکوین الهی باید آب نوشید تا رفع تشنگی شود و اگر کسی با تحمل رنج و مشقت بر خلاف تکوین حرکت کند، سرانجام مجبور به تسلیم است یا اینکه خود را از بین می‌برد. نیاز طبیعی پسران و دختران بالغ نیز چنین است و اگر برخلاف تکوین رفتار شود، موجب فساد جامعه می‌شود. مصداق بارز این عمل خلاف تکوین، دنیای به اصطلاح مترقی امروزی است که با سرعتی سرسام‌آور به سوی بدبختی و فلاکت گام برمی‌دارد.

آسیب‌ها و مشکلات ازدواج در سنین بالا

ساختار طبیعی و فطری انسانی، در راستای تأمین آرامش روانی زن و مرد، تداوم نسل بشر،

۱. روم: ۲۱.

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰.

۳. محمد بن محمد شعیری، جامع الاخبار، ص ۱۰۱.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۹.

۵. محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، شرح اصول کافی، ج ۱، ص ۴۳۳.

ارضای بهنجار غریزه جنسی، جلوگیری از انحرافات اجتماعی و نیز مشروعیت‌بخشی به فرزندان، صورت و مدلی را در یک قالب مفهومی با غنایی فارغ از تخلف طبیعی و فطری بشر که همان ازدواج است، توصیه و تجویز می‌کند، اما در دهه‌های اخیر و در پی تحولات ناشی از نوسازی، صنعتی شدن و تغییراتی که در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رخ داده است، ازدواج جوانان به تأخیر افتاده است. این تأخیر موجب بروز مشکلات و آسیب‌هایی شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. افزایش سن ازدواج و مشکلات ناشی از آن

اگر چه قرآن سن معینی را برای ازدواج مطرح نکرده است، اما از واژگانی چون «بلوغ»، «بلوغ حُلْم»، «بلوغ نکاح» و «بلوغ اشد» می‌توان سن بلوغ و سن ازدواج را به دست آورد. شاید رساترین آیه در تعیین سن ازدواج این آیه شریفه باشد که می‌فرماید: «وَ ابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ؛^۱ یتیمان را آزمایش کنید تا هنگامی که بالغ شده و به نکاح تمایل پیدا کردند و آنان را به درک مصالح زندگانی خود آگاه یافتید، اموال‌شان را به آنان بدهید». شیخ طوسی در تفسیر آیه می‌نویسد: «معنای بلوغ نکاح آن است که به مرحله توانایی بر همخوابگی و تولید نسل برسند و احتلام فعلی منظور نیست». ^۲ در واقع سن ازدواج، سن تمایل است و در صورت نیاز اگر ترک آن موجب گناه شود، ازدواج واجب می‌شود. این در حالی است که در جوامع امروزی سن ازدواج از سن بلوغ جسمی فاصله گرفته است و اغلب این فاصله نیز معقول پنداشته می‌شود. افزایش سن ازدواج از سویی و کاهش سن بلوغ از سوی دیگر موجب بروز مشکلات بسیاری در جامعه کنونی شده است. در واقع انتظارات، ایده‌آل‌ها و هنجارهای اجتماعی ازدواج جوانان را به تأخیر انداخته است؛ بدین معنا که از سویی غریزه جنسی که سراسر وجود نوجوان را تسخیر کرده است و از سوی دیگر عوامل تحریک‌کننده بیرونی همچون الگوهای رفتاری، چهره‌های زیبا و آرایش کرده، عکس‌های مبتذل، فیلم‌های سینمایی وارداتی، دسترسی به ماهواره و اینترنت و افزون بر آن فیلم‌ها و سریال‌های داخلی مغایر با فرهنگ معنوی جامعه، موجب بلوغ زودرس در نوجوانان شده است و چون همه آن‌ها از نظر اخلاقی و معنوی به اندازه‌ای قوی نیستند که بتوانند با رعایت تقوا و خویشتنداری این فاصله

۱. نساء: ۶.

۲. محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۱۶ و ۱۱۷.

(بلوغ تا زمان ازدواج) را پشت سر بگذارند، امکان ابتلای آنان به انحرافات اخلاقی و بی بند و باری‌های جنسی بیشتر است.^۱

در جوامع غربی نیاز جنسی فرد خارج از قواعد و اصول صحیح برآورده می‌شود که دارای معایب و آسیب‌های بسیاری برای فرد و جامعه است، اما در جامعه اسلامی فرد برای ارضای این نیاز طبیعی ناچار است مدت زمان بیشتری را خویشنداری کند تا مرتکب گناه نشود؛ از این رو باید آسیب‌های دیگری همچون فشار روحی، روانی، افسردگی و اضطراب را متحمل شود. طبیعی است که با افزایش سن، قوای جنسی زن و مرد کاهش می‌یابد و دیگر آن شور و اشتیاق جوانی در آن‌ها وجود ندارد؛ از این رو ازدواج در سن بالا موجب بی‌انگیزگی و کاهش تمایلات جنسی می‌شود و عدم وجود تعادل در یک رابطه زناشویی، می‌تواند مشکلات بیشتری را به دنبال داشته باشد. از نظر برخی کارشناسان، نارضایتی جنسی یکی از مهم‌ترین عوامل طلاق در ایران، و بیش از ۵۰ درصد طلاق‌ها ناشی از مشکلات و اختلالات جنسی است.^۲ برخلاف برخی گمان‌ها، رابطه جنسی زن و مرد نه تنها یک رابطه جسمی شهوانی نیست؛ بلکه آثار بسیاری در روابط زناشویی دارد. این رابطه عاملی برای تقویت حس اعتماد به نفس، رهایی از تنش‌های روزانه، افزایش صمیمیت و بالابردن حس حمایتگری مردان از زنان است. تأثیر روابط جنسی در استحکام زناشویی تا آنجاست که برخی ابراز کرده‌اند با وجود علاقه بسیاری که به همسر خود دارند، دیگر قادر به ادامه زندگی با او نیستند؛ زیرا او همواره از برقراری رابطه جنسی طفره می‌رود. ناکامی جنسی در مردان آثاری همچون افسردگی، کم‌حرفی با همسر، افزایش احتمال روابط مشروع یا نامشروع با دیگران، تمایل به اعتیاد و بی‌انگیزگی را به دنبال خواهد داشت. این ناکامی در زنان نیز به دلیل آنکه نیاز جنسی خود را صراحتاً بیان نمی‌کنند، احتمال ناسازگاری، بهانه‌جویی، سلطه‌گری، سرگرم کردن خود به امور مختلف، خودنمایی جنسی و حتی برقراری روابط نامشروع را افزایش می‌دهد.^۳

۱. محمدصادق شجاعی، «تحلیل روانشناختی افزایش سن ازدواج و نقش آن در انحرافات اخلاقی جوانان»، ماهنامه معرفت، ص ۴۹.

۲. فارس نیوز، «علت ۵۰ درصد طلاق‌ها، مشکلات جنسی است»، ۱۳۸۶/۰۹/۰۶، کد خبر: ۸۶۰۹۰۶۰۳۴۹.
<https://www.farsnews.ir/news/8609060349>

۳. هاجر السادات قاسمی، «آسیب‌شناسی روابط زوجین: لایه‌های زیرین ناسازگاری»، فصلنامه حوراء، ص ۵.

۲. کاهش قدرت باروری و تأثیرات آن بر فرزند

یکی از مشکلات عدیده زنان در سن بالا، تحلیل قدرت باروری است. به تأخیر افتادن ازدواج در زنان موجب به تعویق افتادن باروری می‌شود. سن ازدواج زنان، عامل تعیین‌کننده طول مدت باروری است. ازدواج در سنین پایین به معنی طولانی‌تر شدن دوره باروری و احتمال داشتن فرزندان بیشتر است؛ در حالی که بالا رفتن سن ازدواج برای دختران می‌تواند منجر به افزایش وقوع ناهنجاری مادرزادی و عقب‌افتادگی در نوزادان شود.

بالا رفتن سن بارداری هم با کاهش میزان ذخیره تخمدان و هم کاهش کیفیت تخمک‌ها همراه است. این روند کاهشی از ۳۰ سالگی سرعت می‌گیرد، پس از ۳۵ سالگی شتاب بیشتری می‌گیرد و پس از ۴۰ سالگی این روند کاهشی بسیار پرشتاب می‌شود. بعد از ۳۰ سالگی، محتوای ژنتیکی تخمک‌ها نیز تغییر می‌کند. در واقع ممکن است حتی تخمک بالغ هم شود، اما از نظر کروموزومی نرمال نباشد و حتی اگر به جنین تبدیل شود، جنین سالم نباشد و یا اصلاً لانه‌گزینی رخ ندهد و یا جنین پس از لانه‌گزینی در همان روزهای نخست سقط شود. هرچه سن خانم در هنگام بارداری بالاتر باشد به‌ویژه بالای ۴۰ سال، بارداری مخاطرات بیشتری برای مادر و جنین دارد. در سنین بالای ۴۰ سال، تخمک‌ها پیر می‌شوند و افزون بر کاهش احتمال بارداری، احتمال خطر بروز اختلالات کروموزومی در جنین و سقط جنین نیز افزایش می‌یابد. همچنین باید توجه داشت که با افزایش سن، احتمال بروز عوارضی همچون فشار خون بالا، دیابت بارداری و بیماری‌های زمینه‌ای بیشتر می‌شود. مشکلاتی همچون فشار خون بالا و دیابت بارداری باعث کاهش خون‌رسانی به رحم و در نتیجه، کاهش خون‌رسانی به جنین می‌شود و می‌تواند به اختلالاتی در رشد جنین منجر شود. افزون بر این می‌تواند باعث کاهش مایع آمنیوتیک (الیگوهیدرآمیوس) و در نهایت مرگ داخل رحمی جنین شود. خطر زایمان زودرس یکی دیگر از عوارض احتمالی بارداری در سنین بالاست که می‌تواند تهدید کننده سلامت نوزاد باشد.^۱

تحقیقات نشان می‌دهد بارداری در سنین بالا، موجب بروز مشکلات عصب‌شناختی در کودکان می‌شود. در تحقیقی انجام شده در آمریکا، ۵۶ هزار کودک هشت‌ماهه، چهارساله و

۱. ر.ک: مهرانگیز شعاع کاظمی، فرایند تحولات خانواده در ایران: ازدواج دیر هنگام و تأخیر در فرزندآوری»، ص

۱۹۴؛ خبرگزاری مشرق، «اهمیت سن باروری خانم‌ها در فرزندآوری»، ۱۴۰۲/۰۳/۰۵، کد خبر: ۱۴۹۳۲۵۵.

هفت ساله در زمینه توانایی‌های عصب‌شناختی آزمایش شدند. در تحقیق مذکور آزمایش‌هایی برای سنجش قدرت استدلال، حافظه، تمرکز در یادگیری، ادراک، صحبت کردن، خواندن و برخی مهارت‌های حرکتی بررسی شد. در این تحقیق کودکانی که پدران مُسن‌تری داشتند، جز در آزمایش‌های مربوط به مهارت‌های حرکتی نمرات کمتری کسب کردند. نکته جالب تحقیق این است کودکانی که مادران مُسن‌تری داشتند، از امتیازات بالاتری در زمینه مهارت‌های شناختی برخوردار بودند. بنابراین این باور که سن بالای پدر بر فرزند هیچ تأثیر مخربی نمی‌گذارد، نقض می‌شود. بارداری مادران در سنین بالاتر نیز موجب نارسایی‌هایی هنگام تولد، وزن کم نوزاد و همچنین در مواردی موجب زایمان زودرس می‌شود.^۱

۳. کاهش جمعیت و قدرت کشور

قدرت استراتژیک هر سرزمینی مؤلفه‌های متعددی دارد که نیروی انسانی جوان یکی از اضلاع اساسی آن است. علی‌رغم تمام پیشرفت‌هایی که بشر در حوزه علم و تکنولوژی داشته است اما همچنان نقش نیروی انسانی در تولید قدرت سخت و نرم، انکارشدنی نیست؛ چنانکه مقام معظم رهبری (عنه‌السلام) در این باره فرموده است: «این مسائل بایستی ترویج بشود. ازدواج بهنگام و بدون تأخیر یکی از کارهای لازم و واجب است؛ فرزندآوری و تکثیر نسل یکی از آن وظایف مهم و اساسی است که بایستی انجام بگیرد که هر دوی اینها، هم ازدواج زودهنگام و بهنگام و هم تکثیر نسل، جزو نیازهای حیاتی امروز کشور و فردای کشور است».^۲ متأسفانه فرزندآوری در ایران از دهه ۷۰ هجری شمسی تا کنون دچار کاهش شدیدی شده است و طبق پیش‌بینی‌ها ایران در آینده با بحران پیری جمعیت روبه‌رو خواهد شد. در ۱۰ سال گذشته ۵۰ درصد از ازدواج‌ها کاهش داشته و این رقم از ۹۸۰ هزار مورد به ۵۴۰ هزار ازدواج در کشور رسیده است. تغییر اولویت و سبک زندگی خانواده‌ها موجب عدم ازدواج و فرزندآوری در میان جوانان شده است.^۳

۱. مشاوره، «تأثیر سن والدین در تربیت فرزندان»، ماهنامه پیام زن، ص ۴۸.

۲. بیانات در ارتباط تصویری با مداحان، ۱۳۹۹/۱۱/۱۵.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47254>

۳. باشگاه خبرنگاران جوان، «کاهش شدید فرزندآوری در ایران از دهه ۷۰ هجری شمسی»، ۱۴۰۱/۰۴/۰۴، کد خبر: ۸۱۶۹۸۲۹.

<https://www.yjc.ir/fa/news/8169829>

تأخیر در ازدواج و تشکیل خانواده از نظر جمعیت‌شناختی موجب ایجاد دگرگونی در الگوهای زاد و ولد می‌شود. کاهش فراگیر باروری در کشورهای مختلف از جمله ایران، بیشتر نتیجه ازدواج در سنین بالاتر است. ازدواج افراد در سنین بالاتر می‌تواند ساختار خانواده، تعامل اعضای آن با یکدیگر و الگوهای رفتاری افراد خانواده را از طریق دگرگونی در چرخه زندگی خانوادگی متأثر کند. یکی از تأثیرات زیانبار افزایش سن ازدواج در دختران، افزایش میزان وقوع ناهنجاری‌های مادرزادی و عقب‌ماندگی در نوزادان است که می‌تواند منحنی سلامت و هوش را در جامعه دچار اختلال کند. عدم تمایل افراد به فرزندآوری نیز موجب کاهش جمعیت می‌شود. کمتر بودن شاخص فرزندآوری از ۱/۲ فرزند، به معنی کاهش تدریجی جمعیت و در نهایت انقراض نسلی است.^۱

در شرایط کنونی اهم چالش‌های جمعیتی ایران، تغییرات ساختار سنی جمعیت، سالخوردگی جمعیت، باروری پایین، افزایش مهاجرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و تأخیر و ناپایداری ازدواج‌هاست. جمعیت سالم از یک طرف جمعیتی مولد است و از سوی دیگر هم از لحاظ حضور در محل کار و هم سطوح دانش و مهارت و از طرف دیگر جمعیت سالم یعنی متوسط عمر بیشتر، کاهش اولویت‌های فوری و افزایش پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری و به عبارتی جمعیت سالم و مولد محور مهم در پیشرفت کشورهاست.^۲

۴. افسردگی و اعتماد به نفس پایین

زندگی زناشویی با اعتماد به نفس پایین مانند رانندگی با ترمزدستی است. میزان اعتماد به نفس طرفین می‌تواند باعث موفقیت ازدواج و یا تأثیرات منفی آن موجب یک زندگی زناشویی ناموفق شود. نداشتن اعتماد به نفس در زندگی زناشویی و رابطه می‌تواند موجب به وجود آمدن مشاجره‌های پیاپی، شک، کاهش صداقت و صمیمیت شود. اعتماد به نفس فرد زمانی پایین است که نسبت به اینکه چه کسی است، چه کارهایی می‌تواند انجام دهد و چقدر با ارزش است، به خود ایمان نداشته باشد. افرادی که مشکل عزت نفس پایین دارند، به طور مداوم از

۱. فارس نیوز، «پیش‌بینی بحران جمعیت در ایران»، ۱۴۰۱/۰۴/۰۴، کد خبر: ۱۴۰۱۰۴۰۴۰۰۰۲۷۵.

<https://www.farsnews.ir/yazd/news/14010404000275>

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی تابناک، «کاهش ۴۰ درصدی ازدواج در ایران»، ۱۴۰۲/۰۳/۰۶، کد خبر: ۱۱۷۶۸۶۴.

<https://www.tabnak.ir/fa/news/1176864>

اشتباه کردن یا از دست دادن دیگران ترس دارند.^۱ زنی که در سن بالا ازدواج می‌کند، به سبب عزت نفس پایین همواره با ترس از دست دادن همسر مواجه است. این ترس نیز وابستگی بیش از حد به همسر و در نتیجه بروز مشکلات و اختلافات میان زوجین می‌شود.

در اغلب ازدواج‌هایی که با تأخیر انجام می‌شود، زن‌ها از استقلال مالی و فکری برخوردارند و ترجیح می‌دهند هیچ‌گونه وابستگی به کسی نداشته باشند. این استقلال موجب می‌شود آن‌ها بسیاری از کارها را به صلاحدید خود انجام دهند و کمتر از همسرشان نظر یا کمک بخواهند. طبیعی است که در چنین ازدواج‌هایی مردان نمی‌توانند مدیریت خانه و خانواده را در دست بگیرند. از این رو نقش مهم آن‌ها در ثبات مالی خانواده زیر سؤال می‌رود و در نهایت از اعتماد به نفس و حتی عزت نفس آنان کاسته می‌شود. استقلال مالی زن می‌تواند موجب پذیرفتن تسلط مرد شود؛ غافل از آنکه خداوند مردان را قوام و تکیه‌گاه زنان قرار داده، مسئولیت مخارج زندگی را بر دوش آنان نهاده و زنان را به آرامشگری و اطاعت از شوهر دعوت کرده است: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ»^۲ مردان سرپرست زنانند به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند؛ پس زنان درستکار فرمانبردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده، اسرار [شوهران خود] را حفظ می‌کنند». زیبایی و تکامل زندگی در وابستگی زن و مرد به یکدیگر و عمل هر کدام به تکالیف خود در زندگی شکل می‌گیرد و اگر زن در زندگی با این گمان که نیازی به حمایت مالی مرد ندارد و با این تفکر قییم بودن مرد را تضعیف کند، ستون خانواده سست می‌شود.

منت بر شوهر، عدم هماهنگی با وی در تهیه لوازم زندگی، چشم و هم‌چشمی، تجمل و اسراف افزون بر مذموم بودن در اسلام موجب تیرگی روابط زناشویی می‌شود، با ایجاد کینه و نفرت به جای عشق و محبت در زندگی آرامش را در زندگی از بین می‌برد و شیرینی زندگی در پرتو منابع مالی بیشتر را به تلخی بدل می‌کند. عدم حضور زن در منزل و خستگی ناشی از کار بیرون نیز می‌تواند در نحوه برخورد زن با همسر و فرزندان اثر منفی بگذارد تا جایی که زن انرژی

۱. پایگاه خبری صاحب‌خبران، «این کارهای همسران اعتماد به نفس شما را نابود می‌کند»، ۱۴۰۱/۰۳/۰۷، کد خبر: ۵۴۲۸۹۱۷۴.

کافی برای انجام وظیفه اصلی خود - که نقش مادری و همسری است - نداشته باشد و همین مسئله، موجب سستی بنیان خانواده می‌شود.^۱

از دیگر پیامدهای ازدواج در سنین بالا می‌توان به کم‌حوصلگی و بی‌رغبتی فرد در انجام امور، احساس عدم درک از سوی دیگران، فشارهای روحی و روانی، خانه‌گریزی دختران، سلب قدرت برنامه‌ریزی مالی (خرج یا پس انداز) در خانواده، وسواس زیاد در انتخاب، محرومیت فرزندان از داشتن والدین با نشاط، اختلاف سنی زیاد والدین با فرزندان و افت شاخص‌های سلامت در سطح جامعه اشاره کرد.

فهرست منابع

کتاب

۱. شعاع کاظمی، مهرانگیز و حسین عندلیب، فرایند تحولات خانواده در ایران: ازدواج دیرهنگام و تأخیر در فرزندآوری، قم: قسیم طاهها، ۱۳۹۹ ش.
۲. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، چاپ اول، نجف: مطبعة حیدریه، بی‌تا.
۳. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، شرح اصول کافی، تصحیح محمد خواجه‌سوی، چاپ اول، تهران: مؤسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
۴. طوسی، محمد بن حسن، البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح احمد حبیب عاملی، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۶. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تصحیح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

مقالات

۱. انتصاری، آمنه، «استقلال مالی زن و استحکام خانواده»، ماهنامه پیام زن، سال بیست و چهارم، شماره ۲ (پیاپی ۲۷۸)، اردیبهشت ۱۳۹۴، ص ۱۲-۱۴.
۲. شجاعی، محمدصادق، «تحلیل روانشناختی افزایش سن ازدواج و نقش آن در انحرافات اخلاقی جوانان»، ماهنامه معرفت، شماره ۹۷، دی ۱۳۸۴، ص ۴۶-۵۳.

۱. آمنه انتصاری، «استقلال مالی زن و استحکام خانواده»، ماهنامه پیام زن، ص ۱۳.

۳. قاسمی، هاجر السادات، «آسیب‌شناسی روابط زوجین: لایه‌های زیرین ناسازگاری»، فصلنامه حوراء، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۸۷، ص ۸-۳.

سایت‌ها

۱. باشگاه خبرنگاران جوان، «کاهش شدید فرزندآوری در ایران از دهه ۷۰ هجری شمسی»، کد خبر: ۱۴۰۱/۰۴/۰۴، ۸۱۶۹۸۲۹.

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی تابناک، «کاهش ۴۰ درصدی ازدواج در ایران»، ۱۴۰۲/۰۳/۰۶، کد خبر: ۱۱۷۶۸۶۴.

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای.

۴. پایگاه خبری صاحب‌خبر، «این کارهای همسران اعتماد به نفس شما را نابود می‌کند»، ۱۴۰۱/۰۳/۰۷، کد خبر: ۵۴۲۸۹۱۷۴.

۵. خبرگزاری مشرق، «اهمیت سن باروری خانم‌ها در فرزندآوری»، ۱۴۰۲/۰۳/۰۵، کد خبر: ۱۴۹۳۲۵۵.

۶. فارس نیوز، «پیش‌بینی بحران جمعیت در ایران»، ۱۴۰۱/۰۴/۰۴، کد خبر: ۱۴۰۱۰۴۰۴۰۰۰۲۷۵.

۷. فارس نیوز، «علت ۵۰ درصد طلاق‌ها، مشکلات جنسی است»، ۱۳۸۶/۰۹/۰۶، کد خبر: ۸۶۰۹۰۶۰۳۴۹.

۸. مشاوره، «تأثیر سن والدین در تربیت فرزندان»، ماهنامه پیام زن، دوره ۲۶، شماره ۳۰۷ و ۳۰۸، دی ۱۳۹۶، ص ۴۸ و ۴۹.

شیوه افزایش اعتماد به نفس نوجوانان در خانواده

زهرا افتخاری*

اشاره

اعتماد به نفس به عنوان یک مهارت با آن چیزی که در گفتگوهای عرفی استفاده می‌شود، تفاوت دارد. اعتماد به نفس، واژگانی است که خودکارآمدی^۱ نزدیک‌ترین واژه برای فهم آن است. نوجوانی یکی از مهم‌ترین دوران زندگی انسان است تا آنجا که امیرالمؤمنین علی علیه السلام قلب نوجوان را همچون زمین، خالی و مساعد می‌داند که هر چه در آن بکاری، همان را درو می‌کنی: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ»^۲. بنابراین باید هر آنچه که نوجوان در این دوران به آن نیازمند است، به درستی شناخت و آنگاه او را به ابزار مورد نیازش مجهز کرد. یکی از این ابزار که در تمامی دوران‌های زندگی کمک‌کار اوست و مانع آلوده شدنش به گناه می‌شود، اعتماد به نفس است که باید در این دوران و در تداوم مراحل رشد که از کودکی آغاز شده است، در او تقویت شود و بر اساس یک اعتماد به نفس حقیقی شکل گیرد.

برخی نوجوانان در دوران بلوغ به علت تغییرات جسمانی، دچار تعارضاتی در اعتماد به نفس خود می‌شوند. این تغییرات افزون بر میل طبیعی برای مقبول واقع شدن نزد دیگران، موجب می‌شود افراد خود را با دیگران مقایسه کنند.^۳ از این رو باید این مقایسه‌ها به گونه‌ای مدیریت شود که موجب ارتقای اعتماد به نفس در نوجوان شود و گام نخست این کار نیز باید توسط والدین او صورت گیرد.

* دانش‌آموخته سطح ۳ جامعه الزهراء ع.

1. self efficacy

۲. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۳. نادر حاجلو و همکاران، «بررسی آزمایشی تأثیر کمال‌گرایی بر روی تجربه غرور و عزت نفس»، نشریه علوم رفتاری، ص ۱۲.

اعتماد به نفس چیست؟

اعتماد به نفس به معنای «باور داشتن به توانایی‌های اکتسابی خود» است که از طریق ارزیابی مداوم شخص از ارزشمندی خویش شکل می‌گیرد.^۱ در این میان برای فهم درست این تعریف، بایسته است به تبیین دو مؤلفه باور و توانایی‌ها پرداخته شود. باور، مفهومی از جنس شناخت است؛ یعنی تا فرد شناخت درستی از خود نداشته باشد، در عمل نمی‌تواند اعتماد به نفس حقیقی را به دست آورد. از این‌رو در گام نخست برای داشتن اعتماد به نفس، باید فرد شناخت خوبی از خود به دست آورد؛ چنانکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام خودشناسی را سودمندترین شناخت‌ها دانسته و فرموده است: «مَعْرِفَةُ النَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعَارِفِ». ^۲ در روایت دیگری از آن حضرت شرط رسیدن به موفقیت، خودشناسی معرفی شده است: «نَالَ الْقَوْرَ الْأَكْبَرَ مَنْ ظَفِرَ بِمَعْرِفَةِ النَّفْسِ»؛ ^۳ کسی که موفق به خودشناسی شود، به بزرگ‌ترین پیروزی دست یافته است». مؤلفه دیگری که در شکل دادن به اعتماد به نفس نقش مهمی دارد، توانایی‌ها هستند. توانایی‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. توانایی‌های اکتسابی: توانایی‌هایی که از جنس مهارت هستند و می‌توان آن‌ها را با تمرین و تلاش به دست آورد، در این دسته قرار می‌گیرند. بیشتر توانایی‌های ما از این نوع است. با تهیه یک لیست از این توانایی‌ها، می‌توان به تعداد زیاد آن‌ها پی برد؛ توانایی‌هایی همچون خواندن، آموزش، یادگیری، رانندگی و ...
۲. توانایی‌های غیراکتسابی: دسته‌ای از توانایی‌ها نیز هستند که از ابتدای تولد انسان همراه او هستند و نیازی به تلاش و تمرین برای کسب این توانایی‌ها نیست. عدم وجود این دست از توانایی‌ها می‌تواند سبب ضعف انسان و سخت بودن زندگی برای او باشد. شنیدن، دیدن و بسیاری از این نوع توانایی‌ها در این دسته قرار می‌گیرند.

دسته‌بندی انسان‌ها بر اساس دو مؤلفه باور و توانایی

بر اساس مؤلفه‌های بیان شده می‌توان انسان‌ها را در چهار دسته قرار داد:

۱. توانایی دارد، ولی باور ندارد: یک باور جا افتاده و اشتباه در میان مردم، این است که گمان

۱. مهدی ابراهیمی نژاد و محمود سلیمیان، «بررسی رابطه عزت نفس با انگیزه پیشرفت کارکنان»، چشم‌انداز مدیریت بازرگانی، ص ۳۲.

۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۱۲.

۳. همان، ص ۷۲۰.

می‌کنند وجودی منفعل در زندگی دارند و طبق سرنوشتی که از قبل برایشان مشخص شده است، در حال گذر از روزها و شب‌ها هستند. برخی دست روی دست گذاشتن خودشان را به «حکمت الهی» تعبیر می‌کنند، در حالی که تنها تفاوت انسان و حیوان در این قدرت انتخاب و اختیار اوست. هر چند اراده ما در طول اراده خداوند قرار دارد، اما خداوند می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۱ به درستی که خداوند سرنوشت هیچ گروهی را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان خود سرنوشت‌شان را تغییر دهند». با استناد به این آیه شریفه، انسان در تغییر سرنوشت خویش نقش اساسی دارد.

حال این سؤال مطرح می‌شود که اولین لازمه تغییر چیست؟ به یقین هیچ چیز به اندازه باور به توانایی‌های خود برای ایجاد تغییرات، حائز اهمیت نیست. تا زمانی که انسان ایمان نداشته باشد که می‌تواند اوضاع را تغییر داد، آیا قدم از قدم برمی‌دارد؟

راهکار افزایش اعتماد به نفس در این موارد، افزایش خودآگاهی این افراد است. گاه این‌گونه نیست که این افراد شناختی درباره استعدادهای خود ندارند؛ بلکه ضمن داشتن شناخت، استعدادهای خود را برای رسیدن به موفقیت کافی نمی‌دانند. از جمله این افراد می‌توان افراد مبتلا به اختلال شخصیت کمال‌گرا (شخصیت وسواسی - جبری) (OCPD)^۲ اشاره کرد. این افراد، کسانی هستند که استعدادهای خود را برای موفقیت کافی نمی‌دانند و از این‌رو برای رسیدن به موفقیت گامی بر نمی‌دارند. افراد مبتلا به اختلال شخصیت کمال‌گرایی همواره خود را به خاطر نداشتن وضعیت مطلوب سرزنش می‌کنند. مقایسه ناعادلانه، پیشگویی‌های منفی و تفکر همه یا هیچ، بخش دیگری از اندیشه‌های این دست از افراد است.^۳ راه درمان این افراد، مداخلات شناختی برای تعدیل بايدهای ایشان است.^۴

۲. توانایی ندارند، ولی ادعای کاذب دارند: این افراد دارای اعتماد به نفس کاذب هستند. دو دسته از انسان‌ها، دارای این اعتماد به نفس کاذب هستند؛ گروهی که به علت طردشدگی از سوی والدین و دیگران به صورت افراطی توجه‌طلب هستند و گروه دیگر افرادی که به سبب

۱. رعد: ۱۱.

2. Obsessive-compulsive personality disorder

۳. محمدحسین افشاری، با افراد مبتلا به اختلال شخصیت ازدواج نکنید، ص ۱۳۱.

۴. در این مورد می‌توانید کتاب «موهبت کامل نبودن (رهاکردن خود آرمانی و پذیرش خود واقعی)» نگاشته برنه براون را مطالعه کنید.

حقارتی که در شخصیت‌شان وجود دارد، تأییدطلب‌های افراطی هستند. این افراد برای اینکه حقارت و طردشدگی خود را جبران کنند، دست به رفتارهایی می‌زنند که اعتماد به نفس بالایی از خود را به نمایش بگذارند. بهترین راه کمک به این افراد، افزایش مهارت‌های ایشان است. مدیرعامل جوانی که اعتماد به نفس پایینی داشت، ترفیع شغلی یافت؛ اما نمی‌توانست خود را با شغل و موقعیت جدیدش وفق دهد. روزی کسی در اتاق او را زد و او برای آنکه نشان دهد آدم مهمی و پر مشغله‌ای است، تلفن را برداشت و از ارباب رجوع خواست داخل شود. در همان حال که مرد منتظر صحبت با مدیرعامل بود، مدیرعامل هم با تلفن صحبت می‌کرد. سرش را تکان می‌داد و می‌گفت: «مهم نیست، من می‌توانم از عهده‌اش برآیم». پس از لحظاتی گوشی را گذاشت و از ارباب رجوع پرسید: «چه کاری می‌توانم برای شما انجام دهم؟». مرد جواب داد: «آمده‌ام تلفن‌تان را وصل کنم».

۳. توانایی ندارند و ادعایی نیز ندارند: این افراد به‌خاطر اعتماد به نفس پایین دارای رنجش فراوان هستند. علت این اعتماد به نفس پایین را باید در ترس از شکست‌های بسیاری دانست که در زندگی‌شان تجربه کرده‌اند. یکی از مداخلات مؤثر برای افزایش اعتماد به نفس در این افراد، مداخلاتی در ارتقای توانایی و بهبود باورهایشان است.

۴. توانایی دارند و به توانایی خود باور دارند: این افراد دارای اعتماد به نفس واقعی هستند. در مهارت کسب اعتماد به نفس باید به نوجوان آموخت که می‌تواند جزو دسته چهارم قرار گیرد؛ یعنی هم توانایی‌های خود را بشناسد و هم آن‌ها را باور داشته باشد. نوجوان دارای اعتماد به نفس مطلوب، تمایل به اجتماعی شدن بیشتری را از خود نشان می‌دهد و درباره آرزوهای شغلی خود خوش‌بین‌تر است و بیشتر دوست دارد با استرس مقابله کند. همچنین اعتماد به نفس بالا موجب افزایش خلاقیت، حل تعارض و روابط میان‌فردی و کاهش بی‌اعتمادی به دیگران می‌شود.^۱

ضرورت وجود اعتماد به نفس مطلوب

یکی از نیازهای مهم در وجود انسان، نیاز به سلامت روان است. همان‌گونه که انسان باید به فکر سلامتی جسم خود باشد، به همان اندازه نیز باید به فکر سلامت روان خود باشد. میان سلامت

۱. سامره شجاعی و همکاران، «بررسی رابطه بین خودشیفتگی با اعتماد به نفس و رضایت شغلی با توجه به نقش میانجی رفتار شهروندی کارکنان در دانشگاه گلستان»، نشریه نوآوری‌های مدیریت آموزشی، ص ۱۰۴.

و سلامت روان، ارتباط مستقیمی وجود دارد. بارها این ضرب‌المثل را شنیده‌اید که «عقل سالم در بدن سالم است». این سخن تنها یک ضرب‌المثل ساده در زبان فارسی نیست؛ بلکه مضامین بسیار مهمی را در خود جای داده است. از این‌رو باید به همان اندازه که به سلامت جسم اهمیت داده می‌شود، برای سلامت روان نیز اهمیت قائل شد. یکی از گزاره‌های بسیار مؤثر بر سلامت روان، اعتماد به نفس است. اعتماد به نفس از طریق واسطه‌هایی که بر آن‌ها مؤثر است، زمینه سلامت روان شخص را مهیا می‌کند. واسطه‌هایی که در پیدایی اعتماد به نفس دخیل هستند، عبارتند از: تقویت ارتباط با خدا،^۱ خودپنداره مثبت،^۲ ادراک موفقیت برتر، دستیابی به هدف، مدیریت استرس، استقامت ذهنی،^۳ افزایش کیفیت ارتباط با دیگران.^۴

خاستگاه اعتماد به نفس

والدین نقش بسیار مهمی در افزایش یا کاهش اعتماد به نفس کودکان و نوجوانان دارند. از این‌رو باید دقت بیشتری درباره سبک فرزندپروری داشت تا بتوان فرزندان سالمی را تربیت کرد. در واقع فرزندان موفق، حاصل تربیت والدین موفق هستند. فرزندان با اعتماد به نفس بالا و واقعی، نتیجه تربیت درست والدین موفق هستند.

شاخصه‌های والدین موفق در پرورش اعتماد به نفس

برای تربیت نوجوانانی با اعتماد به نفس مطلوب، باید قبل از پرداختن به اعتماد به نفس نوجوان توضیح مختصری درباره ویژگی نوجوان و بحران هویت نوجوان داده شود. بچه‌ها هنگام گذر از دوران کودکی به بزرگسالی، تغییرات گسترده‌ای را در ابعاد مختلف همچون مسائل عاطفی، روحی و روانی، فکری، اجتماعی، شناختی و جسمی تجربه می‌کنند. برای چالش‌های زندگی بزرگسالان از جمله به دست آوردن شغل و کسب استقلال عاطفی و مالی آماده می‌شوند و به دنبال کشف هویت خود و آنچه که هستند و می‌خواهند باشند، می‌روند. از آنجا که کنار آمدن با

۱. محمدرضا شرفی، مشکلات تربیتی را چگونه حل کنیم؟ ص ۸ و ۹.

2. Positive self-concept

۳. زهرا میرصفیان و علیرضا سوادکوهی، «تأثیر ابعاد استقامت ذهنی بر اشتیاق تحصیلی در دانشجویان»، مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ص ۷۰.

۴. رمضان حسن‌زاده و همکاران، «بررسی رابطه بین خودپنداره کلی دانش‌آموزان و عملکرد تحصیلی آن‌ها»، فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی، ص ۶.

این مجموعه تغییرات چندان آسان و مسیر پیشرفت نیز هرگز هموار نیست؛ بنابراین سال‌های نوجوانی می‌تواند هم والدین و هم برای فرزندان، دوران بحرانی و چالش‌برانگیز باشد و والدین در این بحران، دو شاخص مهم را در خود پرورش دهند. این دو شاخص عبارتند از: آگاهی از ابعاد مختلف وجودی فرزند خود و توانایی کاربرستی این آگاهی.

۱. آگاهی از ابعاد مختلف وجودی نوجوان

یکی از مهم‌ترین مسائل لازم در تربیت، آگاهی و دانش والدین است. این آگاهی باید در سه حوزه مهم شکل بگیرد. این سه حوزه عبارتند از:

۱/۱. آگاهی نسبت به رشد روانی نوجوان: نیازهای روانی نوجوان در هر دوره‌ای از سنین نوجوانی، متفاوت است. نوع عاطفه‌ای که فرزندان در دوره ابتدایی نوجوانی (۱۱ الی ۱۲ سالگی) بدان نیازمند هستند، با دوران انتهایی نوجوانی (۱۷ تا ۱۸ سالگی) تفاوت دارد.

۱/۲. آگاهی نسبت به نیازهای رشدی نوجوان: یکی دیگر از آگاهی‌های مورد نیاز والدین، داشتن اطلاعات نسبت به نیازهای رشدی نوجوان است. کودک در دوران نوجوانی و به طور خاص در سنین ابتدایی بلوغ، نیازهای زیستی خاصی دارد. در کنار این نیازهای زیستی، نیازهای روانی همچون نیاز به پذیرش و احترام، خودنمایی خاصی از خود دارد.

۱/۳. آگاهی نسبت به هشدارهای بیان‌کننده نیازهای رشدی در سه حوزه رفتاری، کلامی، عاطفی و... والدین باید درباره هشدارهای خاص هر دوره سنی، آگاهی کافی داشته باشند. کودک از سنین یک‌ونیم تا سه سالگی نوعی علامت را به عنوان علامت نیازهای خود بروز می‌دهد. برای مثال گریه، یکی از این نشانه‌هاست. وقتی مقداری به سن او اضافه می‌شود، لجبازی نشان دیگری است که در او نمایان می‌شود. «نه گفتن»، روحیه حسادت و تملک‌گرایی و استفاده از واژه «من»، می‌تواند نشانه‌هایی باشد که در مراحل مختلف سنی خودنمایی می‌کند. این نشانه‌ها، به نوعی گرایش‌های استقلال‌طلبانه کودکان است که اگر از سوی والدین به درستی پذیرفته شود و اجازه تجربه آن به ایشان داده شود، زمینه‌ساز افزایش اعتماد به نفس بالا و واقعی در ایشان می‌شود. در دوره نوجوانی برخی از رفتارهای تند و ارتباط بیشتر با دوستان، می‌تواند بخشی از این علایم باشد که باید با مدیریت درست والدین، زمینه‌ساز افزایش اعتماد به نفس در نوجوانان شود.

۲. توانایی کاربرستی آگاهی در موقعیت‌های مناسب

آگاهی داشتن به تنهایی نمی‌تواند زمینه‌ساز رشد اعتماد به نفس در نوجوان باشد. از این‌رو در

کنار آگاهی بیان شده، باید کاربست این توانایی نیز در سرلوحه رفتارهای والدین قرار گیرد. اگر دادن مسئولیت در دوره نوجوانی یکی از نیازهای روانی اوست، باید زمینه این مسئولیت‌دهی مهیا شود و با اعتمادی که به او می‌شود، اعتماد به نفس در او شکل گیرد.

بر اساس این دو مؤلفه، والدین در دو دسته قرار می‌گیرند: «والدین آگاه و توانا» و «والدین ناآگاه و ناتوان». والدین آگاه و توانا، در فرایند گرایش‌های استقلال‌طلبانه نوجوان خود تسهیل ایجاد می‌کنند. از دوران کودکی که او می‌خواهد غذا خوردن را آغاز کند، قاشقی مناسب سنین کودکی او در اختیارش قرار می‌دهند تا او بتواند این گرایش استقلال‌طلبانه را در غذا خوردن تجربه کند. آن‌ها به راحتی مانع رسیدن فرزندشان به استقلال نمی‌شوند. وقتی که فرزندشان می‌خواهد کفش خود را پا کند، کفش‌های مناسب و راحتی را برای او تهیه می‌کنند تا او بتواند به راحتی در پوشیدن کفش این تجربه استقلال‌طلبانه را داشته باشد و این مثال‌ها به همه موارد تسری پیدا می‌کند.

این گرایش‌های استقلال‌طلبانه، زمینه‌ساز پیدایی و رشد اولیه اعتماد به نفس می‌شود و با مرور زمان به موارد و تجربیات دیگر در زندگی تسری پیدا می‌کند و بدین سان بر اعتماد به نفس فرزندشان افزوده می‌شود. نوجوان باید از چالش‌گریزی به چالش‌گرایی انتقال داده شود و این امر فقط می‌تواند توسط والدین صورت گیرد.

علایم چالش‌گری عبارت است از:

۱. از شروع نمی‌ترسد. این فرد ترسی از شروع کار جدید ندارد، بر خلاف کسی که چالش‌گریز است. او دوست دارد کاری را که دیگران شروع کرده و انجام داده‌اند، انجام دهد و از اینکه بخواهد کار جدیدی را شروع کند، امتناع می‌کند.
۲. از اشتباه نمی‌ترسد. او بر این باور است که دیکته نوشته نشده غلط ندارد. از این‌رو وقتی دست به کار جدیدی می‌زند، ترسی از این ندارد که اشتباه کند و یا با شکست روبه‌رو شود. بنابراین از مواجه شدن با مشکل ترسی ندارد.
۳. از شکست نمی‌ترسد.
۴. ریسک‌پذیر است. ریسک، بخش جدای‌ناپذیر از تجارب جدید در زندگی است. از این‌رو افرادی که به دنبال چالش‌گری هستند، هرگز از اینکه وارد کاری شوند که در آن ریسک وجود دارد، ترسی ندارند. این، به معنای آن نیست که در زندگی این افراد عقلانیت وجود ندارد؛ بلکه این افراد در عین اینکه عقلانیت را در زندگی خود به کار می‌گیرند، ریسک و تجربه را نیز در فعالیت‌های خود دارند.

۵. امیدوار است.

۶. مثبت‌نگر است.

۷. انتظار پیامد مثبت را دارد.

مراحل تقویت اعتماد به نفس در نوجوان

اعتماد به نفس امری نیست که در یک لحظه در انسان پدید آید. برای پرورش و نیز تقویت اعتماد به نفس در نوجوان، باید مراحل طی شود. این مراحل عبارتند از:

۱. آموزش روانی نوجوان: در مرحله نخست لازم است که تعریف درستی از اعتماد به نفس را برای نوجوان خود تبیین کرد، قلمرو آن را به درستی به او شناساند و مراحل شکل‌گیری آن را به درستی برای او تبیین کرد.

۲. شناسایی وضعیت موجود: باید وضعیتی که نوجوان اکنون در آن قرار دارد، به خوبی برایش تبیین شود. در این مرحله باید «می‌توانیم»ها را در او افزایش داد و از «نمی‌توانیم»های او کاست. در این مرحله باید لیستی دو ستونه تهیه کرد. این دو ستون که باید توسط او با همراهی والدین تکمیل شوند، عبارتند از: «در حال حاضر می‌توانم» و «در حال حاضر نمی‌توانم». این لیست کمک می‌کند که او به توانایی‌هایی خود احاطه کامل‌تری پیدا کند و درباره چیزهایی که به آن‌ها توانایی ندارد، آگاهی کامل‌تری پیدا کند.

والدین باید به فرزند نوجوان خود اطمینان دهند که این جدول به دست دیگری نمی‌رسد و امری کاملاً محرمانه میان آن‌ها یا مشاور است که در حال گفتگو با او هستند تا بدین وسیله مهارت اعتماد به نفس فرزند را تقویت کنند.

۳. انتخاب اولویت‌دارترین «نمی‌توانم» برای تبدیل به «می‌توانم»: سؤال مهم در این مرحله آن است که معیار برای انتخاب اولویت‌دارترین «نمی‌توانم» چیست؟ جواب این سؤال مشخص و واضح است. والدین باید همان «نمی‌توانی» را که باعث شده است نوجوان بیشترین رنج و دغدغه فکری را داشته باشد، انتخاب کنند. این «نمی‌توانم» باعث شده است نوجوان بسیاری از رنج‌ها بپذیرد و نیز مانع موفقیت او در تحصیل، انتخاب دوست، شیوه زندگی و ... شده و به نقش‌های مهم او در زندگی آسیب زده است.

فردی که در خود توان ارتباط درست با دیگران را نمی‌یابد، باید این ناتوانی را در اولویت قرار دهد؛ چرا که عدم این توانایی می‌تواند آسیب‌های زیادی را برای او و آینده‌اش به همراه داشته باشد. شرایط و نیز علایق نوجوان، معیار دیگری است که در این انتخاب می‌تواند یاری‌رسان او

باشد. دختری که امروز در خانه مادری و پدری است، به زودی خود صاحب خانه‌ای می‌شود که باید در نقش همسر کارهایی همچون آشپزی و ... را انجام دهد. اگر این دختر در خود توانایی آشپزی را باور ندارد و یا در واقع هم ندارد، شرایط به او این مورد را گوشزد می‌کند که لازم است در اولویت‌های خود این امر را مورد توجه قرار دهد.

۴. سنجش ظرفیت‌ها به وسیله ابزارهای روان‌شناسی: آزمون‌های روان‌شناختی، ابزارهایی هستند که می‌توانند در کوتاه مدت، آگاهی‌ها و اطلاعات خوبی را درباره نوجوان به والدین بدهند. برای طی این مرحله والدین باید با استفاده از این ابزارها بسنجند که فرزندشان دارای چه توانایی‌هایی است. بنابراین در این مرحله اگر نوجوان ظرفیت آن توانایی را داشت، والدین می‌توانند به تقویت اعتماد به نفس او پردازند، اما اگر این ظرفیت در او وجود نداشته باشد، باید بینش او را در این مورد تغییر داد. شاید او به این توانایی نیاز ندارد و یا آن توانایی اولویتی در زندگی اش ندارد. ممکن است با خیال‌بافی‌هایی که در ذهن خود داشته است، این پندار نادرست را دارد که این توانایی یک امر ضروری در زندگی اش به شمار می‌آید. پس والدین باید خودشان یا با کمک مشاور بینش او را اصلاح کنند و یا تغییر دهند. همچنین باید هدف او را متعادل و واقعی‌تر کنند. او باید بداند که رسیدن به موفقیت، تنها با رسیدن به این هدف شکل نمی‌گیرد؛ بلکه بر اساس توانایی‌هایی که در او وجود دارد، باید هدف دیگری را برای رسیدن به موفقیت انتخاب کند. او باید با دیگر استعدادهایش آشنا شود؛ استعدادهایی که یا بدان توجه نداشته و یا به تازگی با آن‌ها آشنا شده است. شاید این استعدادها او را به پله‌های موفقیت برساند.

۵. تقویت اعتماد به نفس در قلمروی هدف و با توجه به تقویت رفتارهایی از او که موجب می‌شود اعتماد به نفس او افزایش یابد.

فهرست منابع

کتاب

۱. افشاری، محمدحسین، با افراد مبتلا به اختلال شخصیت ازدواج نکنید، قم: نشر ماندگار، ۱۳۹۸ ش.
۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه محسن موسوی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۵ ش.
۳. شرفی، محمدرضا، مشکلات تربیتی را چگونه حل کنیم؟، قم: تزکیه، ۱۳۷۷ ش.

۴. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: نشر مشهور، ۱۳۷۹ ش.

مقالات

۱. ابراهیمی نژاد، مهدی و محمود سلیمیان، «بررسی رابطه عزت نفس با انگیزه پیشرفت کارکنان»، چشم انداز مدیریت بازرگانی، دوره ششم، شماره ۲۳ و ۲۴، ۱۳۸۶، ص ۵۲ - ۳۱.
۲. حاجلو، نادر و ناصر صبحی قراملکی و عیسی محمدی، «بررسی آزمایشی تأثیر کمال‌گرایی بر روی تجربه غرور و عزت نفس»، نشریه علوم رفتاری، سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۰۸ - ۱۰۱.
۳. حسن‌زاده، رمضان و سید حمزه حسینی و زبیده مرادی، «بررسی رابطه بین خودپنداره کلی دانش‌آموزان و عملکرد تحصیلی آن‌ها»، فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی، سال هفتم، شماره ۲۴، ۱۳۸۴، ص ۱۸ - ۱.
۴. شجاعی، سامره و منصوره صادقی، منصوره و ملیحه مقصدلو، «بررسی رابطه بین خودشیفتگی با اعتماد به نفس و رضایت شغلی با توجه به نقش میانجی رفتار شهروندی کارکنان در دانشگاه گلستان»، نشریه نوآوری های مدیریت آموزشی، دوره ۱۲، شماره چهارم (پیاپی ۴۸)، آذر ۱۳۹۶، ص ۱۲۱ - ۱۰۳.
۵. میرصفیان، زهرا و علیرضا سوادکوهی، «تأثیر ابعاد استقامت ذهنی بر اشتیاق تحصیلی در دانشجویان»، مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، دوره ۲۰، شماره دوم (پیاپی ۷۶)، تیر ۱۳۹۸، ص ۷۷ - ۶۹.

تحکیم روابط همسران از منظر آیات و روایات

دکتر مرضیه قنبری*

اشاره

خانواده به عنوان اساسی‌ترین رکن جامعه، نقش مؤثری در ایجاد سعادت یا شقاوت نسل آینده دارد. این نوشتار درصدد پاسخ به این پرسش است که از منظر آیات و روایات، چه عواملی در تحکیم روابط زوجین نقش دارند؟ به نظر می‌رسد اموری همچون تقویت ایمان و مبانی دینی، افزایش محبت و عشق در کانون خانواده، مسئولیت‌شناسی و ... از عواملی است که می‌تواند به استحکام روابط همسران بینجامد.

اهمیت خانواده

خانواده، محبوب‌ترین نهاد بشری نزد خداوند متعال است که در اسلام هدف از تشکیل آن، تأمین نیازهای معنوی و عاطفی انسان همچون دستیابی به آرامش معرفی شده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»^۱ و از نشانه‌های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در آموزه‌های اسلامی، خانواده به عنوان کانون تربیت معرفی شده است که صلاح و فساد آن، موجب سعادت و یا شقاوت جامعه خواهد شد. از این‌رو در بیان ارزش و اهمیت تشکیل خانواده به مسائلی همچون تأمین آرامش، سکون، سلامت روانی، عشق و محبت، الفت میان زوجین، و والدین و فرزندان اشاره شده است: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»^۲ و کسانی

* دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه قم.

۱. روم: ۲۱.

۲. فرقان: ۷۴.

که می‌گویند: پروردگارا! از همسران و فرزندان مان مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان.»

اهمیت خانواده را از این سخن ارزشمند رسول خدا ﷺ می‌توان دریافت که مردی نزد پیامبر خدا ﷺ آمد و گفت: «زنی دارم که هر گاه وارد [خانه] می‌شوم، به استقبال می‌آید و هر گاه [از خانه] خارج می‌شوم، بدرقه‌ام می‌کند و هر گاه مرا اندوهگین می‌بیند، می‌گوید: چرا اندوهگینی؟ اگر غم روزی‌ات را می‌خوری، غیر تو (خداوند) آن را برایت ضمانت کرده است و اگر غم آخرت را داری، پس خداوند بر اندوهت بیفزاید». پیامبر خدا ﷺ فرمود: «إِنَّ لِلَّهِ عَمَّالًا وَ هَذِهِ مِنْ عَمَّالِهِ، لَهَا نِصْفُ أَجْرِ شَهِيدٍ؛^۱ خداوند کارگرانی دارد و این زن، یکی از کارگران اوست. برای او نصف پاداش شهید در نظر گرفته شده است».

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛^۲ هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است؛ او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد». بنا بر این آیه، هر زن و مرد با ایمانی که عمل صالح انجام دهند، از حیات طیبه بهره‌مند می‌شوند و از وسوسه‌ها نجات می‌یابند و خداوند نتیجه کار آنان را با بهترین عملی که انجام داده‌اند، به آن‌ها می‌دهد.^۳ با توجه به برکات حیات طیبه در انسان، خداوند برای هر یک از زوجین راه دستیابی به آن را ایمان و عمل صالح معرفی کرده است که این مهم، نیازمند پایداری در مسیر دینداری است.^۴ درحقیقت این آیه راه زندگی توأم با سعادت را به هر یک از زن و مرد نشان می‌دهد.

بر پایه زندگی مشترک و تشکیل خانواده است که بسیاری از برکات الهی بر انسان نازل می‌شود و موجبات رسیدن به حیات طیبه فراهم می‌گردد؛ چنانکه پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: «إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا نَظَرَ إِلَىٰ امْرَأَتِهِ وَ نَظَرَ إِلَيْهِ نَظَرَ اللَّهِ تَعَالَىٰ إِلَيْهِمَا نَظَرَ الرَّحْمَةِ».^۵ بر اساس این روایت، هنگامی که مرد به زن خود و زن به همسرش از روی مهر و محبت بنگرد، خداوند متعال نیز به دیده رحمت بر آن‌ها می‌نگرد.

۱. محمد بن علی صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۹.

۲. نحل: ۹۷.

۳. اصغر طاهرزاده، زن آن‌گونه که باید باشد، ص ۱۳۱.

۴. همان، ص ۱۳۴.

۵. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة، ص ۲۷۸.

لوازم تحکیم روابط زن و مرد

برای اینکه زندگی زناشویی توأم با موفقیت و استحکام باشد، باید عواملی را در نظر گرفت و آن‌ها را در زندگی تقویت کرد. در اینجا به برخی از این عوامل اشاره می‌شود:

۱. تقویت ایمان و مبانی دینی

انسان همواره در طول زندگی با نگرانی‌ها و اضطراب‌های بسیاری مواجه است که برای فائق آمدن بر آن‌ها تلاش می‌کند. روانشناسان ایمان را سرچشمه‌ای بیکران از آرامش و قدرت معنوی می‌دانند که هر نوع اضطراب و نگرانی را از انسان می‌زداید و در برابر فشار درونی و بیرونی به انسان مصونیت می‌بخشد.^۱ از آنجا که انسان، طالب کمال بی‌نهایت است و هیچ چیزی انسان را قانع نمی‌کند، انسان هر اندازه به امکانات و ثروت محدود دنیا دست یابد، عطش کمال‌جویی در او فرو نمی‌نشیند؛ حال آنکه نقطه‌نهایی تعالی انسان، قرب الهی است و آدمی با رسیدن به آن به کمال مطلوب خود دست می‌یابد و به آرامش پایدار می‌رسد.^۲ اهمیت ایمان در آرامش زندگی تا آنجاست که قرآن کریم هر یک از زن و مرد را در سرنوشت اخروی یکدیگر مؤثر می‌داند و ایمان خالص را مایه امنیت و آرامش و هدایت انسان معرفی می‌کند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ».^۳ خداوند در این آیه ظلم را شرک و نقطه مقابل ایمان معرفی کرده است؛ زیرا اهتداء و ایمنی از ضلالت و یا عذاب را که اثر ضلالت است، بر داشتن صفت ایمان و زایل شدن صفت ظلم مترتب نموده است.^۴ درحقیقت خداوند متعال مطمئن‌ترین و نزدیک‌ترین راه دستیابی به آرامش را چنین معرفی کرده است: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ».^۵ این آیه بندگان را تشویق کرده است که دل‌های خود را با توجه به نعمت‌ها و پاداش او تسکین دهند و آرامش بخشند.^۶ اولین اثری که ایمان در دل مؤمنین دارد، این است که پوچی و بی‌هدفی را از زندگی می‌زداید و با افسردگی و رکود مبارزه می‌کند. از طرفی نیز مقابله

۱. ویلیام جیمز، دین و روان، ص ۱۷۸.

۲. محمدتقی مصباح یزدی، سجاده‌های سلوک، ج ۲، ص ۲۹۴ و ۲۹۵.

۳. انعام: ۸۲: «(آری) آن‌ها که ایمان آوردند و ایمان خود را با شرک و ستم نیالودند، ایمنی تنها از آن‌هاست و آن‌ها هدایت‌یافتگانند».

۴. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۰.

۵. رعد: ۲۸: «آگاه باشید تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد».

۶. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۴۴۷.

ایمان با دنیاپرستی در زندگی مادی، موجب دوری انسان از نا آرامی در رقابت‌های تجمل‌گرایانه می‌شود.^۱ بر این اساس وقتی زوجین تحت ولایت الهی و آرامش حاصل از ایمان در کنار همدیگر قرار بگیرند، بهتر می‌توانند در مسیر آرامش‌بخشی به یکدیگر گام بردارند و زندگی زیبایی برای خود بسازند. طبق فرموده امام خمینی علیه السلام: «قلبی که در آن نور توحید و معرفت کمال مطلق تأیید باشد، دارای طمأنینه، ثبات، ثانی و قرار است... اگر قلبی در حجاب‌های خودبینی، شهوات و لذات حیوانی باشد؛ از فوت لذات حیوانی خوفناک است و طمأنینه قلب را از دست داده و در کارها با عجله و شتاب‌زدگی اقدام می‌کند».^۲

آرامشی که پایه ازدواج و تشکیل خانواده است، سرمایه‌ای برای رسیدن به رشد و تکامل انسانی است که فلسفه آفرینش ماست و خداوند متعال در آیه «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُذْأَبُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ...»^۳ آرامش را موجب افزایش ایمان دانسته است. بدیهی است این ایمان و طمأنینه در فضای خانواده، بر رشد و تعالی روحی فرزندان نیز مؤثر خواهد بود.

۲. افزایش محبت و عشق

محبت، آتشی است که از قلب عاشق طلوع، و آثار آن به باطن و ظاهر سرایت می‌کند.^۴ عشق به آن معنا که تمام ابعاد وجود انسان نظر به محبوب و معشوق باشد، مخصوص به خداوند متعال است و هیچ عشق و محبتی نباید در عرض محبت الهی قرار گیرد؛ اما در طول محبت به خدا، محبت به همسر و فرزندان جای دارد؛^۵ چنانکه امام حسین علیه السلام فرموده است: «به خاطر محبت رباب و سکینه، خانه‌ای را که در آن رباب و سکینه زندگی می‌کنند؛ دوست دارم». رباب نیز بعد از شهادت امام حسین علیه السلام نه در زیر سایه‌ای استراحت کرد و نه آب خنکی نوشید؛ زیرا محبوبش با لب تشنه و زیر آفتاب شهید شد.^۶ بر این اساس محبت عامل مهم استحکام روابط زوجین است؛ از این رو خداوند این امر را در وجود زن و شوهر نهادینه کرده است.

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۱۳.

۲. سید روح‌الله موسوی خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۶۲ و ۳۶۳.

۳. فتح: ۴: «و کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمان‌شان بیفزایند».

۴. سید روح‌الله موسوی خمینی، سر الصلاة، ص ۱۱.

۵. اصغر طاهرزاده، زن آنگونه که باید باشد، ص ۴۲.

۶. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۷.

در روایتی آمده است: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به همراه رزمندگان از رزمگاه برمی گشت. خبر به شهادت رسیدن اصحاب، زنان و فرزندان را به استقبال کشانده بود. هر کسی درباره عزیز خودش پرس و جو می کرد. زنی که به دنبال عزیزانش بود، به حضور پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسید و پس از عرض سلام و ادب، از وضعیت کسی سراغ گرفت. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «او چه نسبتی با شما دارد؟». زن گفت: «پدرم است». فرمود: «شهید شده است». زن با گفتن «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» شکیبایی نشان داد. سپس از برادرش پرسید، او نیز شهید شده بود. خبر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و واکنش زن، همان بود که با خبر شهادت پدر داشت. آنگاه از شوهرش سراغ گرفت و زمانی که حضرت خبر شهادت شوهرش را ابلاغ کرد، زن فریادی کشید و تعجب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را برانگیخت و فرمود: «مَا كُنْتُ أَظُنُّ أَنَّ الْمَرْأَةَ تَجِدُ بَرَّوَجَهَا هَذَا كُلَّهُ حَتَّى رَأَيْتُ هَذِهِ الْمَرْأَةَ؛^۱ گمان نمی بردم که زن، شوهرش را تا این اندازه دوست داشته باشد تا اینکه این زن را دیدم».

۳. مسئولیت شناسی

ازدواج، قرارداد مقدسی میان زوجین است که حقوق و وظایفی برای آنان ایجاد می کند. در حقوق اسلام، انفاق و تأمین هزینه زندگی خانواده مطابق آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ...»^۲ بر عهده مرد است.^۳ زن نیز در مقابل، مکلف است از مرد به عنوان رئیس خانواده اطاعت کند. بهترین روش سرپرستی مرد در خانواده، این است که حاکمیت قلب افراد خانه را برعهده گیرد؛ زیرا هر گاه بر دلها حکومت شود، فرمانبری حتمی است و نیازی به زور و خشونت نیست.^۴ این سرپرستی به نوعی حمایت و حفاظت را در معنای خود دارد. در امر اطاعت زن از همسر خود، زن نباید برای رشد معنوی خود همسرش را با سرپیچی و لجاجت به خشم آورد. بنا بر روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چند گروه از زنان در قیامت با حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ محشور می شوند و خداوند ثواب هزار شهید به آنها می دهد؛ یکی از آن زنان، زنی است که بر بد اخلاقی شوهرش صبر کند:

ثَلَاثٌ مِنَ النِّسَاءِ يَرْفَعُ اللَّهُ عَنْهُنَّ عَذَابَ الْقَبْرِ وَيَكُونُ مَحْشَرُهُنَّ مَعَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۰۶.

۲. نساء: ۳۴ «مردان سرپرست و نگهبان زنانند به خاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است».

۳. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۳۷.

۴. حسین مظاهری، خانواده در اسلام، ص ۲۴ و ۲۵.

ص امْرَأَةٌ صَبِرَتْ عَلَى غَيْرَةِ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةٌ صَبِرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةٌ وَهَبَتْ صَدَاقَهَا لِزَوْجِهَا يُعْطِي اللَّهُ تَعَالَى لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ ثَوَابَ أَلْفِ شَهِيدٍ؛^۱ سه طایفه از زن هایند که عذاب قبر از آن‌ها برداشته شود و با فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله محشور شوند: زنی که بر غیرت شوهرش صبر کند، زنی که با شوهر بد اخلاق بسازد و زنی که مهریه‌اش را ببخشد. خدای تعالی به هر یک از این سه طایفه زن‌ها ثواب یک هزار شهید می‌بخشد.

در سخن دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است که فرمود: «هر زنی که همسر خود را اذیت و آزار کند، خداوند هیچ یک از اعمال خوب او را قبول نمی‌کند».^۲

۴. سازگاری

سازش و سازگاری نمودن در زندگی از ارزش‌های والای انسانی و اسلامی است. هر گاه سازش و مدارا به صورت ملکه درآید، نشان از تعالی روح دارد. یکی از توصیه‌های اخلاقی اسلام در تداوم مدارا و سازش میان همسران، پرهیز از توقعات نابجا نسبت به یکدیگر است که موجبات کدورت، نفرت در بنای عشق و صمیمیت می‌شود. بنابراین شایسته است که همسران در همه امور زندگی انتظارات و توقعات خود را کنترل کنند تا موجب استحکام خانواده شوند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بهترین زنان را زنی دانسته است که با محبت و سازگار باشد: «حَيْرٌ نِسَائِكُمُ الْوُدُودُ الْوُلُودُ الْمُؤَاتِبَةُ وَ شَرُّهَا اللَّجُوجُ»^۳ بهترین زنان‌تان، زنی است که با محبت، فرزندآور و سازگار باشد و بدترین آنان، زنی است که لجباز باشد». امام علی علیه السلام نیز درباره فاطمه زهرا علیها السلام فرموده است:

وَاللَّهِ مَا أَغْضَبْتُهَا وَلَا أَكْرَهْتُهَا عَلَى أَمْرٍ حَتَّى قَبَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ وَلَا أَغْضَبْتَنِي وَلَا عَصَتْ لِي أَمْرًا وَ لَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنْكَشِفُ عَنِّي الْهُمُومُ وَالْأَحْزَانُ؛^۴ به خدا سوگند هیچ‌گاه فاطمه علیها السلام را به خشم نیاوردم و او را بر کاری - که میل نداشت - وادار نکردم تا روزی که خداوند او را برد و او نیز هیچ‌گاه مرا به خشم نیاورد و از فرمان من سرپیچی نکرد و هر گاه که به او می‌نگریستم، نگرانی‌ها و غم‌ها از من زدوده می‌شد.

۱. حسن بن محمد دیلمی، ارشاد القلوب الی الصواب، ج ۱، ص ۱۷۵.

۲. حسن بن محمد دیلمی، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۴۱۴.

۳. حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۲.

۴. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة علیهم السلام، ج ۱، ص ۳۶۳.

فهرست منابع

۱. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة في معرفة الأئمة عليهم السلام، چاپ اول، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۲. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.
۳. جیمز، ویلیام، دین و روان، ترجمه مهدی قائن، چاپ اول، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶ش.
۴. دیلمی، حسن بن محمد، أعلام الدين في صفات المؤمنين، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ق.
۵. _____، ارشاد القلوب الى الصواب، چاپ اول، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۶. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۷. طاهرزاده، اصغر، زن آن‌گونه که باید باشد، چاپ هشتم، اصفهان: لب المیزان، ۱۳۹۲ش.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۳۹۰ق.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دار الکتب، ۱۳۶۳ش.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تصحیح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۳. مصباح یزدی، محمدتقی، سجاده‌های سلوک، چاپ اول، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه، ۱۳۹۰ش.
۱۴. مظاهری، حسین، خانواده در اسلام، چاپ اول، قم: شفق، ۱۳۹۰ش.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، با همکاری جمعی از پژوهشگران، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۱۶. موسوی خمینی، سید روح‌الله، سر الصلاة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ش.

۱۷. _____ شرح حدیث جنود عقل و جهل، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام علیه السلام، ۱۳۷۷ ش.
۱۸. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.

ویژگی های مطلوب محیط خانه

محمدرضا حیدری خراسانی بیدگلی*

اشاره

محیط خانه، به منزله مزرعه و زیستگاهی برای رشد شخصیت اعضای آن است. اهل بیت پیامبر صلوات الله علیهم در زندگی فردی و اجتماعی، برای ما اسوه و الگویی عملی و گفتاری بی بدیل هستند. از این میان خوشبختانه روایات قابل تمسکی از اهل بیت علیهم السلام وجود دارد تا محیط خانه ایده آل از کلام گوهر بار ایشان استخراج شود و مورد اجرا در محیط خانه قرار گیرد. بررسی روایات نشان می دهد که در منظومه فکری ایشان، شاخصه های تأثیرگذاری برای شکوفایی محیط خانه و پربار شدن زراعت آن وجود دارد. این نوشتار ویژگی های مطلوب و ایده آل محیط خانه را بیان می کند.

احترام به خواسته های مشروع همسر

یکی از ویژگی های گرمابخش محیط خانواده، وجود روحیه احترام متقابل بین تک تک اعضای آن است؛ چنانکه قرآن کریم می فرماید: «عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»^۱ با زنان به شایستگی رفتار کنید و اگر آن ها به جهتی ناخوشایندتان بودند، اظهار نکنید؛ چه بسا چیزها که ناپسند شماست، حال آنکه خداوند در آن خیر فراوانی برای شما قرار داده است».

اهل بیت گرامی پیامبر صلوات الله علیهم در راستای احترام به اعضای خانه و تلاش برای تأمین نیازهای خانواده، توصیه های بسیاری دارند و با سیره عملی خود رفتار صحیح در این راستا را به نمایش

* دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه.

گذاشته‌اند. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره فرموده است: «الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ بِشَهْوَةِ أَهْلِهِ وَ الْمُنَافِقُ يَأْكُلُ أَهْلَهُ بِشَهْوَتِهِ؛ مؤمن مطابق میل خانواده‌اش غذا می‌خورد و خانواده منافق، موافق میل او غذا می‌خورد». بیان نورانی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، گویای آن است که مردان در کنار مدیریت مالی و تأمین نیازهای اولیه زندگی باید فضای روحی و روانی اعضای خانواده را نیز مدیریت کنند و به نظرات و دیدگاه‌های افراد و به‌ویژه همسر به عنوان شریک زندگی توجه کافی را داشته باشند.

امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام به خواست و حس زیبایی دوستی همسرش توجه می‌کرد و برخی اوقات به همین خاطر با انتقادات اصحاب و دوستان خود روبه‌رو می‌شد، ولی به خواست طبیعی و مشروع همسر خویش احترام می‌گذاشت. جابر بن عبدالله از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام نقل کرده است:

عده‌ای بر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام وارد شدند و فرش‌ها و پستی‌های زیبایی را در منزل آن حضرت مشاهده کردند. عرض کردند: «ای فرزند رسول خدا! ما در منزل شما وسایل و چیزهایی مشاهده می‌کنیم که ناخوشایند ماست (وجود این وسایل در منزل شما را مناسب نمی‌دانیم)». حضرت فرمود: «إِنَّا نَتَزَوَّجُ النِّسَاءَ فَتُعْطِيهِنَّ مَهْرَهُنَّ فَيَشْتَرِينَ بِهَا مَا شِئْنَ، لَيْسَ لَنَا فِيهِ شَيْءٌ؛^۲ ما در ازدواج مهریه زنان را پرداخت می‌کنیم و آن‌ها هر چه دوست داشتند، برای خود خریداری می‌کنند. هیچ یک از وسایلی که مشاهده نمودید، از آن ما نیست». امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرموده است: «امام سجاده عَلَيْهِ السَّلَام برای بچه‌ها و همسرانش زیورآلات از نوع طلا و نقره تهیه می‌کرد و آن‌ها را با آن زیورها می‌آراست».^۳

همسر شهید حسین تاجیک^۴ درباره توجه ایشان به نظراتش می‌گوید:

بعد از ازدواج مان از ارومیه به سیرجان رفتیم. سیرجان، محل کار حسین بود. تحمل آب و هوای آنجا مخصوصاً در آن گرمای تابستان، برایم خیلی سخت بود. همیشه در جایی زندگی کرده بودم که آب و هوای سرد و معتدلی داشت. از طرفی زندگی مشترک

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۲.

۲. همان، ج ۶، ص ۴۷۶.

۳. همان، ص ۴۷۵.

۴. فرمانده گردان ۴۱۵ لشکر ۴۱ ثارالله.

با صاحبخانه هم برایم دشوار شده بود. به خاطر همین روزی تصمیم گرفتم تا از حسین بخواهم خانه مستقلی اجاره کند. وقتی سختی هایم را برایش توضیح دادم، پیشنهاد مرا قبول کرد. حقوق حسین آن زمان ۲۸۰۰ تومان بود. اجاره خانه ای که گرفته بود، ۲۸۵۰ تومان بود. دو ماهی از اقامت مان نگذشته بود که متوجه شدم حسین با این درآمد، با دشواری زندگی را اداره می کند. این بود که از حسین خواستم به خانه ای نقل مکان کنیم که کرایه کمتری داشته باشد. بعد از اسباب کشی از او پرسیدم: «چرا همان بار اول که درخواست خانه بهتر کردم، خواسته مرا رد نکردی؟». او در جواب گفت: «نمی خواستم همسری را که تمام قوم و خویش خود را رها کرده است و به خاطر یک زندگی ساده و مختصر با من از شهر خود دور افتاده، ناراحت کنم». اگرچه حسین با زحمت خانه مستقلی اجاره کرد، اما توجه او به خواسته من عشق مرا به زندگی با او صد چندان کرده بود.^۱

تقویت روحیه نقدپذیری و خیرخواهی

یکی از ارزش های اخلاقی، انتقاد و انتقادپذیری است؛ چنانکه در آموزه های دینی واژه های نصیحت، تذکر، موعظه، استماع قول، اتباع احسن، توأسی به حق، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، هر یک به گونه ای اهمیت و جایگاه انتقاد و انتقادپذیری را بیان می کنند. از همین روست که قرآن می فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»^۲ پس بندگان مرا که به سخن گوش فرا می دهند، آن گاه بهترین آن را پیروی می کنند، مژده بده». بر این اساس برخورداری از روحیه انتقادپذیری از سوی بزرگترهای خانه، برای تربیت فرزند بسیار مفید است و مهارت های مهمی همچون مهارت نه گفتن، تحلیل وضعیت، مهارت حل مسئله و فن بیان وی را تقویت می کند. نباید محیط خانه به شکلی باشد که کسی جرئت نکند برای مثال به پدر خانواده نقدی داشته باشد. از آن طرف هم نباید فرزند را به گونه ای تربیت کرد که نشود او را حتی یک کلمه نصیحت یا انتقاد کرد. اگر این روحیه به صورت عمومی در محیط خانه در یک

۱. رضا آبیاری، همسران زمینی، سرداران آسمانی، ص ۵۸.

۲. زمر: ۱۶.

حالت تعادلی نگه داشته شود، وقتی که اعضای این خانه در جامعه حضور پیدا می‌کنند، در برابر انتقاد دیگران متواضع هستند و جرئت می‌کنند دیگری را که کار اشتباهی می‌کند، موعظه کنند و برای او خیر خواه باشند. از همین رو امام حسین علیه السلام فرموده است:

قال الله تعالى: «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» فَبَدَأَ اللَّهُ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ مِنْهُ لِعَلِّمِهِ بِأَنَّهَا إِذَا أُدِّيَتْ وَأُقِيمَتْ اسْتَقَامَتِ الْفَرَائِضُ كُلُّهَا هَيْئُهَا وَصَعْبُهَا وَذَلِكَ أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ دُعَاءٌ إِلَى الْإِسْلَامِ مَعَ رَدِّ الْمَظَالِمِ وَمُخَالَفَةِ الظَّالِمِ؛^۱ خداوند متعال فرموده است: "مردان و زنان مؤمن دوست یکدیگرند، امر به نیکی و نهی از بدی می‌کنند". خداوند نخست امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان یک فریضه از سوی خودش ذکر کرده است؛ زیرا او آگاه است که اگر این وظیفه اجرا شود، وظایف دیگر همه، چه سخت و چه آسان انجام می‌گیرد؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر به اسلام دعوت می‌کند و حقوق ستم‌دیدگان را باز می‌ستاند و با ستمگران به مخالفت برمی‌خیزد.

باید توجه داشت که هم نقدکننده باید در ضمن اعتماد به نفس و شجاعت، منصف و خیر خواه باشد و هم نقدشونده باید از بیجگی، نقد شدن و احترام به انتقاد دیگران را یاد گرفته باشد و این جز از کودکی و تربیت در خانه ممکن نیست.

رعایت عدالت و حقوق اعضای خانواده

در محیط خانه باید نسبت به همسر و فرزندان رفتاری مهربانانه و به دور از ظلم داشته باشیم. امام حسین علیه السلام فرموده است: «إِيَّاكَ وَ ظَلَمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ ناصِرًا إِلَّا اللَّهَ؛ آبرهیز از اینکه بر کسی که جز خداوند در برابر تو یابوری ندارد، ستم کنی». در روزگاری که سال‌ها از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گذشته بود، هنوز افکار دوران جاهلیت و تبعیض میان فرزندان وجود داشت. مردی عرب آن روز برای انجام دادن کاری دست دو فرزندش

۱. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۳۷.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۱۸.

را گرفت و شرفیاب محضر رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شد. هنگامی که نشسته بود، یکی از فرزندان خود را در آغوش گرفت، به او محبت کرد و او را بوسید و به فرزند دیگرش توجهی نکرد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که این صحنه تأثیرانگیز را مشاهده کرد، فرمود: «چرا با فرزندان خود به طور عادلانه رفتار نمی کنی؟». آن مرد عرب جوابی جز سکوت نداشت. سرش را پایین انداخت و عرق شرم بر پیشانی اش نشست. او در آن روز دریافت که کارش اشتباه بوده است و فهمید که در نگاه کردن نیز نباید بین فرزندان فرقی گذاشت.^۱

امام سجاده عَلَيْهِ السَّلَام درباره حقوق فرزند بر والدین فرموده است:

وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُصَافِّ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنْتَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمُثَابٌ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقِبٌ فَأَعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلَ الْمُتَزَيِّنِ بِحُسْنِ أَثَرِهِ عَلَيْهِ وَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا الْمُعْذِرِ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَ الْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛^۲ و اما حق فرزندت این است که بدانی او در زندگی دنیا، از تو وابسته به توست، و خیر و شرش با تو گره خورده است و تو مسئولیت سرپرستی او را در اموری مانند حسن تربیت و راهنمایی او به خدای عزوجل و کمک او بر طاعت و فرمانبرداری خدا در مورد تو و در مورد خودش به عهده داری. سپس در صورت انجام این مسئولیت، پاداش می ببری و در صورت کوتاهی کیفر می شوی. کار فرزندت را بسان کسی که در زندگی زودگذر به خوبی انجام می دهد، تو نیز انجام ده و از این طریق به خاطر حسن تربیت نزد پروردگار معذور باشی.

عدل کن عدل که گفته اند حکیمان جها مملکت بی مدد عدل نماند بر جای

محبت و تکریم افزایی

تکریم، تعلیم، احترام و محبت گزاره های بایسته در تربیت خانوادگی است. خداوند در قرآن به مسئله سبک زندگی و تربیت خانوادگی اهمیت بسیاری داده است. برای مثال درباره کیفیت

۱. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ترجمه محمدحسین رحیمیان، ص ۱۱۳.

۲. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۶۳.

تعامل پدر با فرزندان، ماجرای حضرت لقمان علیه السلام با فرزندش را برای مردم معرفی می‌کند. حضرت لقمان علیه السلام با روحیه تکریم، تعلیم، احترام و محبت نسبت به فرزندش نکاتی را برای زندگی سعادت‌مندانه وی گوشزد می‌کند و در کنار این مسئله، خودش به عنوان الگوی مجسم در نگاه فرزندانش قرار دارد؛ به گونه‌ای که فرزند با نگاه به این الگو تأثیر می‌پذیرد و در مسیر سعادت قرار می‌گیرد. خداوند در آیه ۱۳ سوره لقمان فرموده است: «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ؛ هنگامی که لقمان به پسرش در حالی که او را موعظه می‌کرد، گفت: پسرکم! به خدا شرک نیاور، بی تردید شرک ستمی بزرگ است». در آیات بعدی فرموده است: «يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَزْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ...؛ پسرکم! اگر عمل هم‌وزن دانه خردلی و در درون سنگی یا در آسمان‌ها یا در دل زمین باشد، خدا آن را [در قیامت برای حسابرسی] می‌آورد».

در عبارت «یا بُنَيَّ» که در هر دو آیه آمده است، ظرافت کلامی زیبایی مشاهده می‌شود. حضرت لقمان علیه السلام می‌فرماید پسرکم، عزیزم نسبت به خدا شرک نداشته باش، نسبت به اعمال خود مراقبت داشته باش. این مسئله گویای نقش‌گویی و کلام به عنوان مقدمه‌ای برای تربیت است. درباره سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام نیز همین موارد ریز تربیتی را مشاهده می‌کنیم. تمام این بزرگواران در همه زمینه‌های فردی و اجتماعی، سیاسی و فرهنگی الگو هستند. درباره برخورد امام حسین علیه السلام با فرزندان‌شان نکات تاریخی زیادی چه قبل و چه پس از قیام‌شان مشاهده می‌شود. در روایتی آمده است که امام سجاد علیه السلام کم سن و سال بودند، وارد مجلسی شدند که امام حسین علیه السلام و دیگران حضور داشتند. امام علیه السلام وقتی فرزندش را مشاهده کرد، او را در آغوش گرفت و بر گونه‌هایش بوسه زد. به امام علیه السلام عرضه داشتند گویی مدت زیادی است از فرزند خود دور بودید. امام علیه السلام فرمود: «اتفاقاً تازه از منزل بیرون آمدم، اما ما اهل بیت علیهم السلام نسبت به خانواده خود مهربانیم».^۱

۱. خبرگزاری تسنیم، «محبت امام حسین علیه السلام به خانواده در سخت‌ترین شرایط نبرد تداوم داشت»، ۱۳۹۸/۰۶/۱۶، کد خبر: ۲۰۹۰۸۵۷.

چشم‌پوشی نسبت به مسائل ناچیز

امام سجاده علیه السلام در توصیه‌اش به امام باقر علیه السلام درباره تغافل فرموده است: «إِعْلَمْ يَا بَنِيَّ أَنَّ صَلَاحَ شَأْنِ الدُّنْيَا بِحَذَائِرِهَا فِي كَلِمَتَيْنِ: إِصْلَاحُ شَأْنِ الْمَعَاشِ مِْلٌ مِ كِبَالٍ تُلْشَاهُ فِطْنَةٌ وَتُلْشَاهُ تَغَافُلٌ؛ لِأَنَّ الْإِنْسَانَ لَا يَتَغَافَلُ عَنِ شَيْءٍ إِلَّا قَدْ عَرَفَهُ فَفَطِنٌ لَهُ؛^۱ صلاح تمام امور دنیا به منزله پیمانانه پُری است که دو سوم آن هوشیاری و ذکاوت و یک سوم آن تغافل و چشم‌پوشی است؛ زیرا انسان جز از چیزی که شناخته و درک کرده، تغافل نمی‌کند».

این روایت در واقع ضمن تأکید بر تغافل مثبت، از تغافل منفی بر حذر می‌دارد. ابتدا تأکید به هوشیاری و بیداری و ترک «غفلت» می‌کند و سهم آن را دو سوم می‌داند و مفهوم آن، این است که انسان نباید از مسائل مهم زندگی در محیط خانه و اجتماع بی‌خبر بماند؛ بلکه باید با کمال دقت مراقب آنچه که خیر و صلاح او در آن است، باشد. از سوی دیگر نسبت به اموری که لازم است مورد بی‌اعتنایی و بی‌توجهی قرار گیرد، دستور به «تغافل» می‌دهد؛ مانند فکر و دقت در مسائل جزئی زندگی که اهمیت چندانی ندارند و انسان را از تفکر در امور مهم باز می‌دارد.

یکی از آثار تغافل، کاهش اختلاف است. وقتی زوجین از یکدیگر خطایی دیدند و عمداً خود را به فراموشی بزنند، نهایت بزرگواری را نشان داده‌اند. این کار می‌تواند زمینه اصلاح برای فرد خاطی را فراهم کند. افراد غیر معصوم، مصون از خطا و اشتباه نیستند و ممکن است در مراحل مختلف زندگی دچار خطا و لغزش شوند. خرده‌گیری و بازخواست مداوم و عکس‌العمل در برابر هر اشتباهی، سبب ایجاد اختلاف و تنش در میان افراد می‌شود و زندگی را تلخ خواهد کرد. در حقیقت وقتی پذیرفتیم که هیچ‌کس از جمله خودمان بی‌عیب و نقص نیستیم و قبول کردیم که هر کس مثل ما ممکن است اشتباه کند و خطایی از او سرزند، می‌توانیم از خطاهای دیگران چشم‌پوشی کنیم.^۲

امام سجاده علیه السلام قطع طمع از اموال دیگران را وجهه دیگر چشم‌پوشی معرفی کرده است و این،

۱. علی بن محمد خزازی، کفایة الأثر فی النصوص علی الأئمة الإثنی عشر علیهم السلام، ترجمه محمدکاظم موسوی و عقیل ربیعی، ص ۲۴۰؛ حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۵۹.

۲. وب‌سایت راسخون، «تغافل: راهکاری کارآمد در زندگی مشترک»، ۱۳۹۷/۱۱/۲۷، کد خبر: ۱۴۱۰۳۴۱.

از آثار دیگر تغافل است: «رَأَيْتُ الْخَيْرَ كُلَّهُ قَدْ اجْتَمَعَ فِي قَطْعِ الطَّمَعِ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ؛^۱ تمام خیرات و خوبی‌های دنیا و آخرت را در چشم‌پوشی و قطع طمع از زندگی و اموال دیگران می‌بینم». معنای این سخن آن است که وقتی انسان روحیه تغافل را بلد باشد، تأثیر خود را در بخش‌های دیگر زندگی نیز می‌گذارد و می‌تواند در نگاه به زندگی دیگران نیز از اموال دنیوی‌شان چشم‌پوشی کند. بنابراین با این قناعت، رضایت از زندگی و امید به زندگی هم در خانه‌ای که افراد آن چنین ویژگی‌ای دارند، بالا می‌رود.

نتیجه‌گیری

خانه مطلوب در ادبیات اهل بیت علیهم‌السلام، خانه‌ای است که در محیط آن به خواسته‌های بجا و شایسته همه افراد این جامعه کوچک احترام گذاشته می‌شود، روحیه نقدپذیری و خیرخواهی در آن وجود دارد و حقوق اعضای خانه رعایت می‌شود. در چنین خانه‌ای محبت، تکریم و تغافل شایسته میان اعضای خانواده حاکم است.

فهرست منابع

کتاب

۱. آبیاری، رضا، همسران زمینی، سرداران آسمانی، قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۰ ش.
۲. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: نشر آل‌علی علیهم‌السلام، ۱۳۸۲ ش.
۳. خزازی رازی، علی بن محمد، کفاية الأثر في النصوص على الأئمة الإثني عشر علیهم‌السلام، ترجمه محمدکاظم موسوی و عقیل ربیعی، قم: دلیل ما، ۱۴۳۰ ق.
۴. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ترجمه محمدحسین رحیمیان، قم: مؤمنین، ۱۳۸۷ ش.
۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ترجمه و تحقیق محمدصالح بن احمد مازندرانی، علی‌اکبر غفاری و ابوالحسن شعرانی، تهران: المكتبة الإسلامية للنشر و التوزيع، ۱۳۸۲ ق.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه مهدی آیت‌اللهی، ج ۲، ص ۳۲۰؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۷۱، ح ۱۰.

۶. _____، اصول کافی، ترجمه مهدی آیت‌اللهی، تهران: جهان‌آرا، ۱۳۸۷ ش.
۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق.

سایت‌ها

۱. خبرگزاری تسنیم، «محبت امام حسین علیه السلام به خانواده در سخت‌ترین شرایط نبرد تداوم داشت»، ۱۳۹۸/۰۶/۱۶، کد خبر: ۲۰۹۰۸۵۷.
۲. وب‌سایت راسخون، «تغافل: راهکاری کارآمد در زندگی مشترک»، ۱۳۹۷/۱۱/۲۷، کد خبر: ۱۴۱۰۳۴۱.

